

کارگر امروز

نشریه افترا سوسیالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

مصاحبه با منصور حکمت
پیامدهای وقایع شوروی

صفحه ۷

Vol. 2, No. 17, September 1991

سال دوم، شماره ۱۷ شهریور ۱۳۷۰

تظاهرات صدها هزار کارگر در «روز همبستگی» در واشنگتن

اعتصاب کارگران پست کانادا آغاز شد

آندره کولومبار دیر
اتحادیه پست تورنتو
بلافاصله بعد از آغاز
اعتصاب اخراج شد



رهبر اتحادیه کارگران پست کانادا در یکی از تظاهرات اعتراضی کارگران

کارگران کارخانجات صنایع فلزی:

دولت خود از پیش قبر دوهزار تومان دستمزد را کنده بود

ادامه وضع فعلی برای کارگران غیر قابل تحمل است. این گروه که در تیرماه سال جاری با روزنامه کار و کارگر گفتگو می کردند، از جمله اوضاع کارگران ایران را با کارگران اروپایی مقایسه کردند و خواهان همان درجه تامین اجتماعی شدند که برای مثال کارگران در سوئد از آن برخوردارند.

مرکز خبری کارگر امروز: گروههای دیگری از کارگران کارخانجات صنایع فلزی - واقع در تهران و ساری، تراضیتی شدید خود را از پایین بودن سطح دستمزدها، فشار اضافه کاریها، فقدان بهداشت و آموزش و پرورش مناسب اعلام داشتند و به دولت هشدار دادند که

برگزاری دومین کنگره

فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی

کنفدراسیون کارگران آلمان بخش شمال استان "هسن" و اتحادیه کارگران ترک در اروپا کار خود را آغاز کرد. در دومین کنگره شوراهای پناهندگان ایرانی، که اکنون وسیعترین و شناخته شده ترین سازمان پناهندگان ایرانی است، ۵۰۰ عضو متشکل آن از طریق نمایندگانی از شوراهای شهرهای وین

مرکز خبری کارگر امروز: دومین کنگره فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان ایرانی در تاریخ ۲۳ تا ۲۵ اوت برگزار شد. کنگره با قرائت پیامهای همبستگی از سوی کنفدراسیون عمومی کار فرانسه "ث.ژ.ت"، اتحادیه کارگران خدمات عمومی در "اونتاریو" کانادا، اتحادیه کارگران پست کانادا بخش تورنتو،

مرکز خبری کارگر امروز:

در ۲۴ اوت کارگران پست کانادا که دو سال از پایان آخرین قراردادشان می گذشت و طی این مدت در مذاکره با دولت به توافق نرسیده بودند، وارد یک اعتصاب نوبتی شدند. هدف اتحادیه که ۴۶ هزار عضو دارد از اعتصاب نوبتی و غیر کامل ادامه توزیع چکهای بازنشسته ها و افراد کم درآمد است اما کارفرما برای تحریک جامعه علیه کارگران از قبول توزیع چکها در حین اعتصاب خودداری کرد.

به گزارش حمید مرتضوی یکی از خبرنگاران کارگر امروز در کانادا، اکثر شاخه های اتحادیه با این نوع اعتصاب مخالفند و از جمله تورنتو با ۸۵۰۰ کارگر و مونترال با ۷۵۰۰ کارگر با بر پا کردن مجمع عمومی و اکثریت آرا از دستورات اتحادیه سراسری سر باز زدند و کاملاً وارد اعتصاب شدند. علاوه بر آن کلود پارتوت رهبر اتحادیه سراسری کارگران پست در یک مصاحبه تلویزیونی گفت هر لحظه امکان دارد که وارد یک اعتصاب سراسری شویم.

بقیه در صفحه ۶

منشور

حقوق بیکاران

مصطفی صابر

"منشور حقوق بیکاران" نام مجموعه مطالباتی است که بخشهای قابل توجهی از بیکاران اروپا را در سازمانی فراملی بنام شبکه اروپایی بیکاران، "ای.ان.او"، متحد کرده است. این منشور، حقوقی را که کارگران در هر روز زندگیشان در مقابله با بیکاری طلب می کنند و یا باید بکنند، با شفافیت و دقت در وجوه مختلف برشمرده است. منشوری که نه فقط باید بتواند بخشهای وسیعتری از بیکاران اروپا را متحد کند بلکه می تواند مبنای مطالبات تمامی بخشهای کارگران، اعم از شاغل و بیکار، در مبارزه علیه بیکاری، نه تنها در اروپا که در اقصی نقاط جهان باشد.

"منشور حقوق بیکاران" با روح برخورداری هرچه بیشتر کارگران از ثمرات کارشان و گذاشتن بار بیکاری بر دوش مسبب آن یعنی سرمایه تنظیم شده است. کاهش مستمر ساعت کار، افزایش ساعات فراغت تفریح و استراحت کارگران و از این طریق

بقیه در صفحه ۷

هم در داخل کشور و هم خارج کشور" است. این خواست دوم اشاره اش به مجموعه ای از موانع قانونی در برابر سازمانیابی اتحادیه های در آمریکا و وجود رژیم های ضد کارگری در خارج آمریکا است.

نشریه دست راستی اکونومیست طی مطلبی به مناسبت برگزاری تظاهرات "روز همبستگی ۱۹۹۱" نوشت: "روز همبستگی؟ فردگرایی آمریکایی هیچگاه تصور نمی کرد که اتحادیه ها یک بخش اساسی از بافت ملت آمریکا را تشکیل می دهند. "فدراسیون کار آمریکا - کنگره سازمانهای صنعتی" (آ.اف.ال - سی.آی.او) با سازماندهی بزرگترین تظاهرات کارگری در ده ساله اخیر این تصور را تغییر داد."

به گزارش نشریه "داگنز نی هتر" چاپ سوئد، یک تم اساسی در سخنرانیهای تظاهرات "روز همبستگی" این بود که سیاستمداران باید فعالیت های خود را از سیاست خارجی به وضعیت بسیار ناپسندان کارگران آمریکا معطوف کنند. □

مرکز خبری کارگر امروز: صدها هزار نفر از اعضای اتحادیه های کارگری آمریکا روز شنبه ۳۱ اوت در یک تظاهرات اعتراضی در واشنگتن شرکت کردند. در این تظاهرات که از طرف "فدراسیون کار آمریکا - کنگره سازمانهای صنعتی"، تحت عنوان "روز همبستگی ۱۹۹۱" سازمان داده شد و در گرامیداشت اولین "روز همبستگی" سال ۱۹۸۱ که در آن ۴۰۰ هزار فعال اتحادیه ای طی تظاهراتی مخالفت خود را با دولت تازه انتخاب شده ریگان اعلام کرده بودند برگزار می گشت، سخنرانان متعددی لزوم افزایش رفاه همگانی از جمله مسئله بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و مراقبت از کودکان را مطرح ساختند.

به گزارش نشریه "لیبر نتز" چاپ آمریکا، هدف این تظاهرات ابراز قدرت برای پشتیبانی از خواستهای کارگری از جمله، تصویب قانونی برای "غیر قانونی کردن اخراج دائمی کارگران اعتصابی و جایگزینی آن با کارگران جدید" و "آزادی کامل تشکل

شورای کارگران سائفرانسیسکو به حمایت از کارگران ایران برخاست

سوی شاخه ۷۹۰ اتحادیه "کارکنان متحد دولتی" به این مجمع ارائه شده بود، از جمله با محکوم ساختن سیاستهای ضد کارگری رژیم اسلامی و اعدام جمال چراغ ویسی، خواهان آزادی تمام فعالین کارگری ایران از زندان، و همچنین حق اعتصاب و حق تشکل سازمانهای کارگری مستقل برای کارگران ایران شده است. □

مرکز خبری کارگر امروز: "شورای کارگران سائفرانسیسکو" (اس.ال.سی) که مجمع عالی نمایندگان اتحادیه های کارگری این شهر (سومین مرکز بزرگ کارگری آمریکا) است و بیش از ۲۰۰ اتحادیه کارگری را در بر می گیرد با تصویب قطعنامه ای در تاریخ ۲۶ اوت به حمایت از کارگران ایران برخاست. این قطعنامه که از

اگر مسئولین چاره های نیاندیشند

قانون کار جدید مانند قانون قبلی هیچ وجه ای در بین کارگران نخواهد داشت

کارگران شرکت لاستیک سازی

شوراهای اسلامی در اردیبهشت ماه گذشته گفتگوی مفصلی با مدیران، شورای اسلامی و همچنین برخی از کارگران این کارخانه داشت و کارگران در این گفتگو تراضیاتی های خود را در قبال مسائل مختلف بیان داشتند:

شهر صنعتی ساوه بیش از ۲۰۰ کارخانه و حدود ۲۰ هزار کارگر دارد. از جمله بزرگترین واحدهای این منطقه صنعتی، کارخانه لاستیک سازی پارس است با حدود ۱۶۰۰ کارگر که در سه شیفت کار می کنند. روزنامه کار و کارگر، ناشر افکار

بقیه در صفحه ۳

آندره کولومبار دیر اتحادیه کارگران پست تورنتو

مبارزه ما برای امنیت شغلی است

صفحه ۸

گفتگو با «سپو آلتون» از فعالین جنبش کارگری فنلاند

پیرامون جنبش کارگری در فنلاند

صفحه ۹

پاداش سالیانه کارگران تا سقف ۱۵ هزار تومان افزایش می یابد

کارگران شرکت سیمکو کرمانشاه اعتصاب برای افزایش دستمزد و علیه اضافه کاری

مرکز خبری کارگر امروز: طی خرداد و تیرماه گذشته اعتصابات و اعتراضات مداومی در شرکت "سیمکو" در نیروگاه برق کرمانشاه که حدود ۳۰۰ کارگر دارد، جریان داشت. در این اعتراضات کارگران خواهان لغو اضافه کاری اجباری، تعطیل بعد از ظهر پنجشنبهها، افزایش دستمزد، تنظیم امکانات رفاهی شده بودند، تعطیل کردند. با پایان مهلت و بی جواب ماندن قطعنامه مذکور، کارگران روز ۱۵ تیرماه دست به اعتصاب زدند و در ۲۹ تیرماه در برابر دفتر مدیریت اجتماع کردند. با پا در میانی اداره کار مدیریت با برخی خواستهای جزئی کارگران موافقت کرد و خواستهای اصلی آنان را بی جواب گذارد. □

بود. قانون تازه ضمن آنکه عقب نشینی رژیم در برابر اعتراضات کارگری بر سر دریافتها است به سهم خود می گوشت تا مانع تازه ای در برابر مبارزه برای افزایش دستمزدها قرار دهد. با توجه به کاهش شدید قدرت خرید کارگران و تنزل فاحش مزد واقعی بویژه بعد از سیاستهای ارزی جدید رژیم، سقف حداکثر ۱۵ هزار تومان از نظر کارگران تنها می تواند یک حداقل برای کنشکاش سنتی بر سر دریافتهای پایان سال باشد. □

که سقف پاداش سالیانه کارگران را حداکثر تا ۸۵۰۰ تومان تعیین کرده بود. هر سال در ماههای آخر سال موجی از اعتصابات و اعتراضات کارگری با مضمون افزایش دستمزدها و مشخصا با خواست افزایش پاداش سالیانه بر می خیزد. قانون مصوب شورای انقلاب اسلامی در سال ۵۹ که اکنون رسماً بساط آن برچیده می شود، اولین آماج اعتراضات کارگری بر سر افزایش دریافتهای سالیانه بود و در واقع در بسیاری از کارخانجات عملاً ملغی شده

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۳۰ مرداد ماه گذشته هیات وزیران جمهوری اسلامی تصویب کرد که پاداش آخر سال (عیدی) کارگران معادل ۶۰ روز حقوق و حداکثر تا سقف ۹۰ روز حداقل دستمزد سراسری تعیین و پرداخت گردد. از آنجا که در حال حاضر حداقل دستمزد ۵ هزار تومان در ماه تعیین شده، سقف پرداخت عیدی قانوناً تا ۱۵ هزار تومان خواهد بود. قانون جدید که کارگران مشمول قانون کار را در بر می گیرد، جانشین مصوبه سال ۵۹ "شورای انقلاب" رژیم اسلامی می شود

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار:

کارگران کارخانه نساجی غرب

شوراهای اسلامی علیرغم میل کارگران تشکیل خواهد شد

نمایندگان زندانی را آزاد کردند

واحد و ایران خودرو تصمیم به تشکیل شورا گرفت و شورای اسلامی در این دو واحد تشکیل گردید. وی افزود که از سال ۱۳۶۸ شوراهای کار مصمم شد که در کلیه واحدها شورای اسلامی تشکیل گردد و حتی جلسات کمیته سه نفره نیز تعطیل شد. با این وصف در تیرماه ۷۰ احمد مشیریان مجدداً اذعان کرد که شورای اسلامی در حدود یکچهارم واحدهای شامل قانون تشکیل شده است. او در مورد نگرانی مدیران که تشکیل شورای اسلامی ممکن است در کار آنها "اخلال و تداخل" ایجاد کند، اطمینان داد که شوراهای اسلامی طبق قانون وظایف معینی بعهده دارند و بعلو و مراجع مختلف و از جمله "هیات ماده ۲۲" مراقب انحراف شورای اسلامی است.

مرکز خبری کارگر امروز: احمد مشیریان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار طی یک مصاحبه مطبوعاتی در نوزدهم تیر ماه گذشته اعلام کرد که تشکیل شوراهای اسلامی در تمامی واحدها اجباری است. وی گفت که در سال ۶۵ شوراهای کار مصمم گرفت که در ارتباط با تشکیل شورای اسلامی در واحدهای بزرگ، شش ماه به این واحدها مهلت بدهد تا خود را با شرایط تشکیل شورا منطبق کنند. در سال ۶۶ شوراهای کار مصمم گرفت که در کلیه واحدها شورا تشکیل گردد و یک کمیته سه نفره از نمایندگان دولت، کارفرما و کارگران تشکیل شود. با مشکلات تشکیل شورای اسلامی در واحدهای فوق برآ رفع کند. این کمیته در مورد واحدهایی نظیر شرکت

نمایندگان کارگران که در اولین قدم موفق شده بودند تا در برابر مدیریت از خواستهای کارگران در مورد طبقه بندی مشاغل که مدتها مورد اختلاف بود دفاع کنند، با توطئه ای که شورای اسلامی ترتیب داد توسط سپاه دستگیر شدند. این گزارش حاکی است، کارگران نساجی غرب کرمانشاه به دفاع از نمایندگان خود برخاستند و با اعتراضات خود موجب آزادی نمایندگان خود شدند. □

مرکز خبری کارگر امروز: در پی اختلافاتی که بین باندهای مدیریت در کارخانه نساجی غرب بروز کرد، هریک از طرفین کوشیدند تا کارگران را به سمت خود جلب کنند. اما کارگران ضمن اینکه به هیچ طرف تمایلی نشان ندادند، از فرصت استفاده کردند و علیرغم وجود شورای اسلامی نمایندگان خود را انتخاب کردند. به گزارش حزب کمونیست ایران،

کارگران نوردیچ باختران

موفقیت در مبارزه علیه اخراج

برگزاری دومین کنگره فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی

پناهندگی در کشورهای اروپایی اسکان ثابت یافته اند و یا پناهندگانی که تنها تحت عنوان مهاجر به آمریکا و یا کانادا پناهنده شده اند، ذکر گردید. "فردا بشارت" از اعضای هیات موسس فدراسیون و اولین دبیر آن، بار دیگر به دبیری فدراسیون پناهندگان ایرانی انتخاب گردید. وی در باره وضعیت کنونی و چشم انداز فدراسیون به نماینده کارگر امروز، که به کنگره دعوت شده بود، گفت: با وضعیتی که اکنون پناهندگان در سراسر جهان دارند، با تصمیماتی که هرروز از طرف دولتها علیه آنها اتخاذ می شود و فشارهایی که به آنها وارد می گردد، با این رشد راسیسم و ناسیونالیسم، دنیایی از کار در دفاع از حقوق پناهندگان و بهبود وضع آنان و ایجاد و تحکیم همبستگی بین پناهندگان و مردم کارگر در همه کشورها وجود دارد. زمینه سیاسی کوششهای فدراسیون بیش از پیش فراهم است. خصوصاً آنکه سازمانها و اتحادیههای کارگری در رابطه با بیکاری و رقابت و کار سیاه و سایر مسائل، اهمیت کار در بین پناهندگان را بیش از پیش دریافته اند و توجه و همبستگی بیشتری نشان می دهند. آنچه که ما طی مدت فعالیت فدراسیون توانستیم فراهم آوریم آن پایه و حداقل لازم از سازماندهی و ارتباطات است که امکان فعالیت هرچه وسیعتر و موثرتر را ممکن می سازد. آنچه که اکنون مانع جدی سر راه ماست، در وهله اول فقدان امکانات مالی برای کارهای بشمار و موثری است که می توان انجام داد. و در وهله دوم لزوم وجود فعالین جدی و معتقد به چنگبهرهای فدراسیون در تمامی مراکز حضور پناهندگان است. □

بقیه از صفحه اول

در اتریش، آنکارا در ترکیه، فرانکفورت، کاسل و کیسن در آلمان، کپنهاگ در دانمارک، استکهلم، کوبنتیرگ، و مالمو در سوئد نمایندگی می شدند. در این کنگره همچنین نماینده دفتر فدراسیون در کلن آلمان و نماینده اعضای فدراسیون در کانادا و نیز نماینده ناظر از طرف شورای پناهندگان ایرانی در شهر فالون در سوئد در کنگره شرکت داشتند. انعکاس همبستگی و همکاری فدراسیون با جنبش کارگری کشورهای مختلف در کنگره محدود به قرائت پیام های فوق الذکر نبود. یک جلسه کامل کنگره به بررسی موضوع پیوستن کنگره فدراسیون به "شبکه بیکاران اروپا" و تأیید بیانیه مطالباتی این سازمان موسوم به "منشور بیکاران اروپا" اختصاص داشت، که طی آن نماینده بخش دانمارک شبکه بیکاران در کنگره حاضر گردید و ضمن اعلام همبستگی با کنگره فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی، توضیحاتی در مورد منشور و شبکه بیکاران اروپا ارائه داد و به سوالات متعدد نمایندگان پاسخ گفت. وی از فدراسیون دعوت کرد تا برای آشنایی بیشتر با شبکه بیکاران اروپا نماینده ناظر به کنگره سراسری این سازمان، که با شرکت نمایندگان بیکاران اغلب کشورهای اروپایی در ماه سپتامبر در گلاسکو در بریتانیا برگزار می شود، اعزام کند. کنگره با استقبال از این دعوت و ضمن تصویب قرار در اعلام حمایت و پشتیبانی از منشور بیکاران اروپا موضوع پیوستن فدراسیون به شبکه بیکاران اروپا را موکول به تصمیم شورای مرکزی فدراسیون و آشنایی بیشتر با شبکه بیکاران اروپا بر اساس گزارش نماینده اعزامی به کنگره

کار ادامه دادند و موفق شدند همگی شغلای خود را حفظ کنند. همین گزارش حاکمیت که در شرکت نوزین واقع در شهر صنعتی در ۸ کیلومتری کرمانشاه که حدود ۲۰۰ کارگر دارد نیز تلاش چند ماهه مدیریت برای اخراج جمعی کارگران در برابر اتحاد و همبستگی کارگران اخراجی و شاغل عقیم ماند. کارگران اخراجی به هنگام بازگشت به کار خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند و با حمایت شاغلین موفق شدند حقوق پایه خود را افزایش دهند. □

مرکز خبری کارگر امروز: در پی ماهها مبارزه و کنشکاش سراسری کارگران کارخانه نوردیچ باختران که در ۱۲ کیلو متری کرمانشاه واقع است، توانستند ضمن گرفتن حقوق دوره بیکاری خود مجدداً به سر کار برگردند. به گزارش حزب کمونیست ایران کارگران این کارخانه در سال گذشته و بدنبال اعتراضات طولانی خود برای افزایش دستمزد که با تصمیم تعطیل کارخانه و اخراج جمعی کارگران روبرو شده بود، به تلاش برای بازگشت به

ISSN 1101-3516 Tryck: HS Offset AB 1991

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

Bank Account: حساب بانکی 5201-3306202 S.E. Banken Stockholm, Sweden

Address: آدرس W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد
دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد
- بها برای موسسات دو برابر قیمت های فوق است (تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. □ یکساله □ شش ماهه
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

W.T. P.O.Box 241412 L.A., CA 90024 USA

نایمینی محیط کار در ایران بیداد می کند

سیزده کارگریک کارگاه چاپ پارچه در تهران در آتش سوختند

تعداد نامعلومی از کارگران یک کارخانه در گرسار در اثر «حادثه تصادف» کشته شدند

ادعای دروغین اختصاص ارز برای بن کارگری

مرکز خبری کارگر امروز: طرح بن کارگری جمهوری اسلامی که از جمله ابداعات رژیم بمنظور سردودان کارگران و تخفیف اعتراضات آنان به پایین بودن دستمزدها و گرانی بویژه در سالهای جنگ بود، همچنان محل آشکارترین عوامفریبی های جمهوری اسلامی است. از مدت ها پیش اعلام شده بود که برای سال جاری مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار ارز برای خرید کالاهای بن کارگری اختصاص داده شده است، و طی چند ماه تمامی مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی از وزیر کار گرفته تا محبوب دبیر کل خانه کارگر و عوامل شوراهای اسلامی و غیره حول "این مبلغ ارز" روضه خواندند و وعده و وعید نثار کارگران کردند. اما دست آخر که اعتراضات کارگران نسبت به پوچ بودن بن و وعده های دولت بالا گرفت، وظیفه ماستمالی کردن وعده ها و پیمانندن بیش از پیش موضوع به عهده حبیبی معاون رئیس جمهور قرار گرفت. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در

مرکز خبری کارگر امروز: طرح بن کارگری جمهوری اسلامی که از جمله ابداعات رژیم بمنظور سردودان کارگران و تخفیف اعتراضات آنان به پایین بودن دستمزدها و گرانی بویژه در سالهای جنگ بود، همچنان محل آشکارترین عوامفریبی های جمهوری اسلامی است. از مدت ها پیش اعلام شده بود که برای سال جاری مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار ارز برای خرید کالاهای بن کارگری اختصاص داده شده است، و طی چند ماه تمامی مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی از وزیر کار گرفته تا محبوب دبیر کل خانه کارگر و عوامل شوراهای اسلامی و غیره حول "این مبلغ ارز" روضه خواندند و وعده و وعید نثار کارگران کردند. اما دست آخر که اعتراضات کارگران نسبت به پوچ بودن بن و وعده های دولت بالا گرفت، وظیفه ماستمالی کردن وعده ها و پیمانندن بیش از پیش موضوع به عهده حبیبی معاون رئیس جمهور قرار گرفت. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در

نظر، و اردشیر ظهوی ۳۰ ساله. از سوی دیگر در "حادثه تصادف" مرگباری که روزنامه ها با اشاره های مبهم آنرا بر گزار کردند، تعداد زیادی از کارگران کارخانه "تاوان سیلیس" گرسار کشته شدند. وسعت فاجعه بقدری بوده است که کارخانه مذکور تعطیل شد و به منظور "دلجویی" از بازماندگان و کارگران، بازگشایی مجدد کارخانه طی مراسم ویژه با شرکت مقامات شهر گرسار و حضور "محبوب" دبیر کل خانه کارگر جمهوری اسلامی و سخنان ایشان درباره "حدیث پیغمبر اسلام در مورد نقش و ارزش کارگر" انجام گرفت. ایران بی تردید یکی از بالاترین میزان

مرکز خبری کارگر امروز: در اواخر تیرماه یک کارگاه چاپ پارچه واقع در خیابان بوذرجمهری نو در تهران، در اثر انفجار مهیب گاز بنزین و تیر، که محیط کارگاه به شدت آغشته به آن بود، ۱۳ کارگر دچار حادثه شدند که سه نفر از آنان در دم جان باختند و هشت نفر دیگر در بیمارستان فوت کردند و دو نفر دیگر نیز دچار آسیب دیدگی شدید شدند. نام تعدادی از قربانیان این جنایت قانونی بدین قرار در روزنامه ها اعلام گردید: سهراب یوسفی ۱۷ ساله، رضا یزدانیا ۲۲ ساله، فرهاد کلاهی ۲۵ ساله، شاپور شهابی ۲۶ ساله، علی طوقی ۱۶ ساله، منوچهر درگزلی ۲۴ ساله، مجید کشوری ۲۰ ساله، حمید

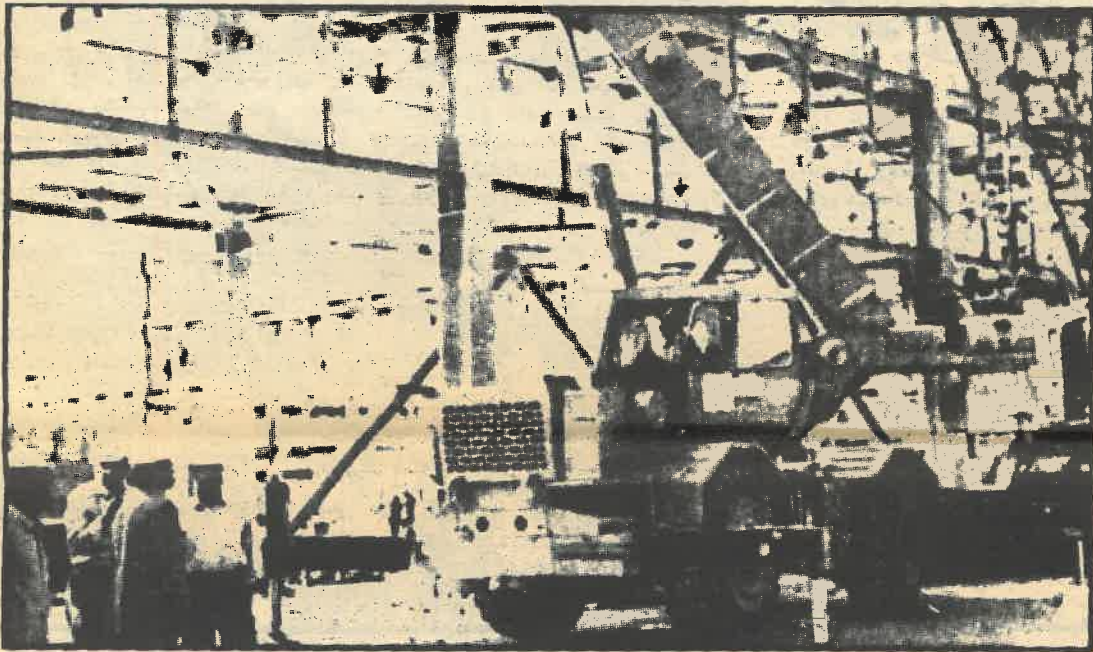
کارگران شرکت لاستیک سازی:

کدام بن؟ اینها شعارهای داغ زمان جنگ بود

بقیه از صفحه اول

مستولین باید یک فکر اساسی به حال جامعه کارگری بکنند. نه اینکه همیشه شعار بدهیم که آقا برای کارگر فلان و بهمان کردیم و آخر سر ما ببینیم که کارگر گرسنه است. باید به ریشه مشکلات نگاه کرد. ابتدا باید گرانی را مهار کرد و سپس مشکل مسکن و سایر مشکلات را مهار کرد. من اکنون که شروع به کار می کنم فکر اجاره خانه، گرانی لوازم التحریر، مشکل ارزاق، مشکل درمان، مشکل پوشاک و سایر مشکلات این اجازه را نمی دهد که به نوآوری بپردازم. آفتاب مسئولین نظام انتظار دارند که بنده شاهکار کنم و به پای کارگر زاپتی برسیم.

ای بابا شما هم حوصله دارید، کدام بن؟ کدام کالا؟! این ها شعارهای داغ زمان جنگ بود. بن اکنون فقط قطعه کاغذی است که بدست کارگر می دهند و یا آن چند کیلو عدس و دو دانه خمیر دندان، سه مداد ترکیه ای بی مصرف بدست ما



کارگاهی از یکی از کارخانجات صنایع فلزی

از آقای رئیس جمهور انتظار داریم گرانی را مهار کنند. حقوق کارگران نسبت به گرانی و تورم صفر است. شما به عنوان مقام اجرایی کشور باید کاری کنید که یک تعادل بوجود بیاید که مردم فقیر هر روز محتاجتر و سرمایه داران هر روز غنی تر نشوند.

وضعیت کارخانه در کل مطلوب است. اما مشکلات جامعه ما را دچار دردسر جدی کرده است. دولت حقوق کارگران را دو هزار تومان اضافه کرد و از آنطرف خودش اقدام به گران کردن اجناس کرد. یعنی قبل از اینکه دو هزار تومان بدست ما برسد، خود دولت قیروش را کند و حالا طوری شده که باید مقداری از حقوق گذشتمان را هم از این بابت بپردازیم. من سوالم اینست که این نوع خدمتی به محرومین است که عده های بازاری با هماهنگیهای قبلی جیبهای گشادی برای سرکسبه کردن مردم می دوزند و دولت یک برخورد سطحی هم با آنها نمی کند.

چند وقت پیش یک برنامه تلویزیونی نگاه می کردم که یک کارگر سوئدی می گفت "از ما حدود هفتاد درصد مالهات کسر می شود ولی با اینحال مشکلی نداریم، زیرا تمام امکانات و سرویس دهی لازم در اختیار ما گذاشته می شود". یعنی کارگران سوئد با همان هفتاد درصد تمام زندگیهای بیهوده شده است. در شرایطی که کشور و انقلاب ایران اسلامی باید چلوتر از کشورهای دیگر باشد. ما می بینیم نه اینکه چلوتر نیست بلکه خیلی عقب و ضعیف تر از دیگر جاها به کارگران رسیدگی می شود.

کارگران کارخانجات صنایع فلزی: ساعات اضافه کاری باید جزو سابقه کار کارگر محسوب شود

بقیه از صفحه اول

مجموع سه کارخانه شرکت صنایع فلزی که سازنده اسکلهای فلزی و سازه های بزرگ فلزی است، جمعا بیش از ۱۵۰۰ کارگر دارد. مدیریت این کارخانجات مدعی است که سطح دستمزد و شرایط کار کارگران این شرکت در بالاترین سطح در مقایسه با سایر کارخانجات قرار دارد. یکی از کارگران در مورد میزان دستمزد خود می گوید: روزانه ۲۴۰ تومان حقوق می گیرم و اگر اضافه کاری هم دریافت می کنم بیشتر می شود. با همسر و سه فرزندم در ساری زندگی می کنم. با قرض و وام توانستیم سرپناهی بسازم و در حال حاضر ماهیانه ۵ هزار تومان قسط می پردازم.

کارگری در این کارخانه داریم که طی سال گذشته بدلیل مشکلات مالی ۱۵۲۶ ساعت اضافه کاری داشته است. یعنی اگر این ساعات را بر عدد ۲۲۰ - که میزان ساعت کار یکماه کارگر است - تقسیم کنیم می بینیم که این کارگر بیش از هشت ماه (در واقع نزدیک به هفت ماه، ک.ا) اضافه کاری داشته است. یعنی طی سال ۱۳۶۹ دوازده ماه را بیست ساعت کار کرده است. حال شما ببینید یک کارگری که در طول سال بیست ماه کاری داشته، چه مدت استراحت کرده و چه وقت به مشکلات همسر و فرزندانش رسیدگی کرده است. من از مسئولین تقاضا

۲۵٪ تخفیف برای مشترکین کارگر امروز

مشترکین میتوانند کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش" را با ۲۵٪ تخفیف (با هزینه پست معادل ۶۰۰۰ کرون سوئد) از مرکز آبوتمان نشریه دریافت کنند.

یک افتاد سوسیالیستی از مناسبات کار و سرمایه و مطالبات سوسیالیستها برای اصلاحات فوری در وضعیت طبقه کارگر در ایران بدست داده میشود.

"کار ارزان، کارگر خاموش" مرکز بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی

شرکت کنندگان در مرکز: ایرج آذرین، سعیدقوامی، ناصر جاوید، منصور حکمت، شهلا دانشفر، رضا مقدم، محسنی صابر

انتشارات سامان - مهرماه ۵۹ - ۳۳۰ صفحه

"کار ارزان، کارگر خاموش" متن مباحثات مرکز است که طی ماههای گذشته چندین بار از صدای حزب کمونیست ایران پخش شده است. "کار ارزان، کارگر خاموش" نقد کهنه های از طرح قانون کار جمهوری اسلامی است و ماموت ارتجاعی این رژیم را در برخورد به طبقه کارگر پرورشی پناهنش میکشاند. از مجموعه مباحثات "کار ارزان، کارگر خاموش"

مراکز فروش کارگر امروز

آمریکا
Tavir Gallery
18154 Sherman Way
Van Nuys, CA 91335
Tel: 818-3446484

آلمان
Zambon-Verlag
Leipziger Str. 24
9000 Frankfurt 90
Tel: 069-270000
Helmuth-Helm
Buchhandlung
Schiller Str. 1
3000 Hamburg 13
Buchladen
Oster Str. 156
2000 Hamburg 20
Das Antische Buch
Buchhandlung
Knechtstr. 16
E-1000 Berlin 52
Tel: 030-313821

اتریش - وین
Karl Winter OHG
Buchhandlung
Leopoldsdorfer Str. 20
Kadletz
Passage Lokal 14
U2 Station
Medaßhofer Str.
Zeltschiffbrücken
Fischmarkt:
Juden Serrating

دانمارک
Dannes Bultiken
Elsengade 27
2300 København
Folk

سوئد
Criteris International
128-131 Claring Cross Rd
London WC2H 0EO
Röda Stjärnan Bokhandel
Fjäder Långgatan 8 B
Göteborg
Sölvhallen Kungälvsplassen
Skollevand Dalkateer
Göteborg
Röda Rummet Bokhandel
Sörögatan 15
Göteborg
Tel: 08-114210
International Press
Sheungatan 20
203 12 Malmö
Röda Stjärnan
Västergatan 15
214 24 Malmö
Tel: 040-870340

انگلستان
Wagon
Ch. de Gaulle-Etoile
Paris
Gange V
89 Ave Charles-Elysee
Paris

کارگاه امروز

نامه به سردبیر

نامهایی که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- تایید شده یا کاملا خوانا باشند
- ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند

- کارگزاران در انتخاب و تلخیص نامها آزاد است.

درباره مباحث

۳۵ ساعت کار در هفته در ایران

سردبیر کارگر امروز!

مقاله فکته‌نگار تبعدی یدالله خسروشاهی در باره غیرواقعی بودن شعار ۳۵ ساعت کار در هفته برای کارگران ایران حاوی نکاتی انحرافی و عقب مانده و انعکاس سیاستهای ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه در جنبش کارگری ایران است و کارگران سوسیالیست و پیشرو با احساس مسئولیت باید این نظرات را نقد کنند و سیاستهای درست و پیشرو را در مقابل طبقه کارگر قرار دهند.

پایه و ریشه نکته انحرافی در این جمله کوتاه نهفته است: "اولا این شعار و شعارهای نظیر آن را نمی توان برای کل کارگران ایران صادر کرد چرا که سطح تکنولوژی در واحدهای مختلف تولیدی بسیار متفاوت است." این مسئله گره زدن یک خواسته معقول کارگری به رشد نیروهای مولده و سطح تکنولوژی در ایران است که طی یک دهه سیاست حاکم بر نیروهای سیاسی چپ سنتی بود و تأثیرات مغربی بر روی افکار کارگران رادیکال و سوسیالیست گذاشت و نتیجتاً رهبران عملی کارگران را در طرح خواسته‌های طبقاتی و شعارهای نو و پیشرو ناپیگیر و همیشه قبل از تهاجم رژیم اسلامی خلع سلاح می ساخت و در ناآمادگی کامل قرار می داد. این نکته نشان می دهد که یکی از رهبران صنعت نفت هنوز بطور واقعی چپ سنتی ایران را نشناخته است و آنچه که پس از شکست انقلاب ۵۷ و طی یک دوره طولانی از

ایدا نسبت به مبارزه طبقاتی بیاعتنا نبود و خیلی هم فعالانه برای رسیدن به دموکراسی و رفرف اقتصادی تحت اقتصاد دولتی بسپک شوروی و چین تلاش و مبارزه می کرد.

رفیق عزیز گره زدن مبارزه جنبش کارگری برای مطالبه ضروری و حیاتی ۳۵ ساعت کار در هفته به "سطح تکنولوژی در واحدهای مختلف" استدلال اشتباهی است. چرا که اولاً مسئله وسائل مدرن تولید و تکنولوژی مسئله کارگران نیست و کارگران در نظام سرمایه‌داری هیچ احساس مالکیتی نسبت به وسائل تولید ندارند و اساساً هیچ نفعی از این روند تولید اقتصادی نمی برند. اما سرمایه‌داران برعکس بر اثر قانون رقابت آزاد و افزایش سود ناچارا وسائل تولید مدرن را وارد کارخانه‌هایشان می کنند که تازه آنوقت چیزی که نصیب کارگران مزدبگیر می شود، اخرجهای وسیع و بی رویه، افزایش شدت و سرعت کار، جلوگیری از تثبیت ۳۵ ساعت کار در هفته، و کلاً قرار گرفتن کارگران در موضع تدافعی است.

ثانیاً در هیچ کجای دنیا سطح تکنولوژی در یک کشور معین یکسان نیست تا به نظر شما به عنوان پایه مادی شعار ۳۵ ساعت کار پذیرفته شود و بخش صنعت از بخش کشاورزی و خدمات مدرنتر و پیشرفته‌تر است. اگر بپذیریم که فرض شما درست است چرا در کشور پیشرفته و دارای تکنولوژی مدرن کره جنوبی ما بجای شعار ۳۵ ساعت کار در هفته شاهد ۴۲ ساعت کار هفتگی هستیم که نمونه زنده آن اعتصاب هزاران کارگر موتور سازی هیوندای در آوریل ۹۰ می باشد. طرح یک شعار سراسری و طبقاتی نظیر ۳۵ ساعت کار بستگی مهمی به تجربه و سابقه مبارزاتی، اعتصابات، شیوه کار رهبران عملی بین توده‌های وسیع کارگری، سازماندهی توده‌ای و اقتصادی کارگران، شکل سراسری و سیاسی - حزبی و کلاً توازن قوای طبقاتی موجود دارد. همیشه مبارزه کارگران در صنایع پیشرفته یک جامعه معین نظیر ایران الگو و نمونه برای کارگران سایر بخشهای اقتصادی کشور است. حال با توجه به نقش سازنده صنایع نفت ایران در روند مبارزه طبقاتی، اصولاً به یک معنا می شود

گفت که شعار ۳۵ ساعت کار در صنعت نفت خیلی دیر مطرح شده است. چرا که ۴۰ ساعت کار در هفته، چندین سال قبل از انقلاب ۵۷ در پالایشگاه آبادان تثبیت شده بود و شعار ۴۰ ساعت کار شعار تازه و خواست کارگران نفت نبود. و به همین علت رژیم اسلامی در بدو رسیدن به قدرت می‌خواست به این ۴۰ ساعت کار و تعطیلی پنجشنبه حمله کند که با مشت محکم شوراها کارگری در سال ۵۸ روبرو شد. زیرا هر زمان که جنبش کارگری با وضع موجود سازگاری کند بی شک مورد تهاجم رژیم اسلامی برای نابودی دستاوردهای قدیمی قرار می‌گیرد. اینکه شما می‌گوئید اگر شعار ۳۵ ساعت کار در بسیاری از واحدهای صنعتی متحقق شود کارگران مجبورند بخاطر فشار اقتصادی، ۳۵ ساعت دیگر برای یک کارخانه مشابه کار کنند یعنی ۷۰ ساعت کار در هفته، آوردن یک فرض اشتباه و یک نتیجه گیری غیر منطقی است. چرا که دوست عزیز اگر جنبش کارگری در صنایع کلیدی نظیر صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، لوله، ماشین سازی تبریز و اراک، ناسیونال، مس سرچشمه کرمان، راه آهن و بنادر کشتیرانی آن قدر قدرت داشته باشد که ۳۵ ساعت کار را تثبیت کند طبیعی است قدرت آنرا نیز در کار با افزایش مدام دستمزد با توجه به تورم سرسام‌آور مانع از این شود که کارگران برای تثبیت ۳۵ ساعت کار مجبور به ۷۰ ساعت کار شوند!! شما نمی‌توانید رابطه بین کاهش ساعات کار و افزایش دستمزدها را ندیده بگیرید. کارگران ایران مانند کارگران سایر کشورها بجز مشکل پایه‌ای افزایش دستمزد برای آنکه بیشتر به سیاست و مبارزه طبقاتی کشیده شوند نیاز حیاتی دارند تا با کاهش ساعات کار بتوانند مسائل و مشکلات متعدد خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، هنری خویش را با فراغت کامل حل کنند و این تازه کارگر امروزی در پایان قرن بیستم است در عصر کامپیوتر. تازه ما کارگران نباید قدرت جنبش خودمان را دستکم بگیریم.

سامی
نماینده سابق کارکنان پالایشگاه آبادان
۱۲ اوت ۱۹۹۱ - آمریکا

احتمالاً توازن قوا را بر هم زند. یعنی اینکه صحنه را بگونه‌ای تصویر می‌کند که توده کارگر خام، بی‌نظر، بی‌مطالبه، گوش‌بزنک چیزی از جایی است. نکته قابل تذکر اینکه دوستان دیگری که با فراخوان ۳۵ ساعت مخالفتند، با نفس سپک کار فراخوانی مخالفتی ندارند، بلکه فقط متذکر می‌شوند که برای مطالبه ۳۵ ساعت کار در اول ماه مه کسی گوش‌بزنک نیست.

مهمترین چیزی که در رابطه توازن قوا و مطالبات، توجه بدان حیاتی است، این می‌باشد که در فعالیت برای هر مطالبه‌ای جمع آوری قوای طبقه و متحد کردن آن از وظایف اصلی ما است. انجام این وظیفه هم به این معنی نیست که همه یک چیز بگویند. این ته مفید است و نه در زندگی واقعی معنی دارد، بلکه توسعه و حفظ وحدت در عمل است. چیزی که باید مایه نگرانی جدی باشد. مثلاً اگر در کارخانه‌ای بحث برای کاهش ساعت کار بالا گرفت، بعد از تمام بحث ها اراده اکثریت کارگران بر این واقع شد که ۴۰ ساعت کار را جلوی کارفرما بگذارند، این دیگر ناپیشوندی است که من هوادار ۳۵ ساعت کار راه خود را کچ کنم و بالعکس، چرا که هدف کاهش ساعت کار است و هر اندازه آن مورد نیاز کارگران است. مطالبه ۳۵ ساعت کار و زیر ساخت اقتصادی.

در میباحث قبلی مهمترین دلیل مخالفت با مطالبه ۳۵ ساعت کار در ایران، عقب ماندگی ساخت اقتصادی ایران بود که خود را عمدتاً در سه جزء طرح کرد: ۱- تذکر شاه عباسی بودن تکنولوژی صنعت فرش ۲- تاکید بر تقدم نیروهای مولده بر مناسبات

بقیه در صفحه ۶

اول قوا را جمع می‌کند و بعد مطالبه را انتخاب می‌کند. از همین جا می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر توازن قوای کنونی به نفع عملی شدن مطالبه ۳۵ ساعت کار نیست، پس شروع کنیم با کار خود توازن را به نفعش تغییر دهیم. برای خود کارگر چون در این جریان دخیل است و سرنوشتش رقم می‌خورد غیر از این راهی نیست.

اما بحث توازن قوا عموماً به گونه‌ای دیگر طرح می‌شود. اول اینکه گویا یک ناظر خارجی آنرا طرح می‌کند که در جایی کمین کرده و میدان نبرد را نگاه می‌کند تا لحظه‌ای که دید طرف دلخواهش در موضع برتر قرار گرفته، چیزی را پرت کند تا او بردارد. دوم اینکه بیانگر نگرشی است که گویا می‌خواهد ابتدا از پیروزی خود اطمینان حاصل کند بعد دست به عمل ببرد. این نگرش بیشتر ویژه عملیات نظامیست تا مبارزه کارگر، نه به این دلیل که کارگر در کارش محاسبه ندارد، بلکه به این دلیل که کارش نظامی نیست. عملیات نظامی را می‌توان انجام داد یا نداد. اما قضیه برای کارگر طور دیگریست. پس از دوره‌ای تلاش و همه گیر شدن مطالبه‌ای، زمان اتخاذ بهترین تاکتیک برای اعتراض عملی فرا می‌رسد. توده کارگر بواسطه محاسبه خود از توازن قوای موجود، امری که فقط می‌تواند در همان محیط کار انجام پذیرد، تاکتیک مناسب را از میان صلح‌آمیزترین تاکتیکها گرفته تا رادیکالیتهای آنها اتخاذ می‌کند. مهمترین عامل در اتخاذ تاکتیک ها این است که هر اعتراض عملی بتواند پله‌ای برای حرکتهای بعدی باشد و اتحاد توده کارگران را عمق و وسعت بخشد.

سوم اینکه "فراخوان" می‌دهد تا

تا ۸۰ ساعت در هفته کار کند و ۳۵ ساعت کار باری از دوش او کم نمی‌کند. این استدلال نادرست است. دو یا چند مشغله شدن در شرایط فعلی ناشی از فرسنگها عقب ماندن سطح دستمزد از سطح تورم است و راه آنهم رفع این عقب ماندگی است. به همین علت است که مبارزه‌های جدی برای افزایش دستمزد و رساندن آن به سطح تورم سالهاست در جریان است. البته قرار هم نیست که با مبارزه برای کاهش ساعت کار، مبارزه برای افزایش دستمزد تعطیل شود. بعلاوه پیشروی در هر یک از این عرصه‌ها به معنای بهبود یافتن شرایط برای پیشروی در عرصه دیگر است.

بنابراین اینها نمی‌تواند دلیلی برای عملی نبودن مطالبه ۳۵ ساعت کار باشد. اما ظاهراً دلیل اصلی توازن قواست که امکان عملی شدن این مطالبه را نمی‌دهد. ولی خود توازن قوا امر مرموزی نیست. طبقات درگیر در هر لحظه‌ای از حیاتشان به هزار و یک شکل می‌کوشند زورشان به حریف بچربد و به هر اندازه‌ای که شده مطالباتشان را بگیرند. شکستها و پیروزیهای کوچک و بزرگ را تجربه می‌کنند، در برخی جبههها دست دارند و در برخی دیگر مغلوبند. غیر از مقاطع انقلاب، در هیچیک از لحظات این روند، نمی‌توان بدقت گفت که شرایط برای فلا ن مطالبه آماده است یا نه و اساساً یک مساله مطالباتی مربوط به مبارزه طبقاتی را نمی‌توان ابتدا به ساکن به اینگونه طرح کرد. در واقع طبقات برای برهم زدن توازن موجود به نفع خودشان دائماً بدنهایی جمع‌آوری قوا و تقویت صف خود هستند. این حرکت در بین طبقه کارگر از ابتدا تا انتها جول مطالباتش شکل می‌گیرد. نه اینکه

زنده باد ۳۵ ساعت کار

شعار جهانی کارگران

سردبیر کارگر امروز!

تا کنون پنج مقاله حول تجزیه و تحلیل "مطالبه ۳۵ ساعت کار در بین کارگران ایران" در نشریه کارگر امروز درج شده است. ملاحظاتی من بر مباحث فوق در دو عرصه است: ۱- ۳۵ ساعت کار، مطلوبیت و جنبه عملی آن. ۲- مطالبه ۳۵ ساعت کار و زیر ساخت اقتصادی.

۱- ۳۵ ساعت کار: مطلوبیت و جنبه عملی. یکی از مسائل مورد بحث در مقالات عملی بودن یا نبودن مطالبه ساعت کار در شرایط فعلی ایران است که ظاهراً از ارزیابی های متفاوت از توازن قوای کنونی ناشی می‌شود. مقدماتاً باید دید که منظور از عملی بودن یا نبودن این مطالبه در شرایط فعلی چیست. آیا توقع داریم که این مطالبه به محض طرح شدنش فراگیر شده و به موضوع مبارزه روز تبدیل و به کرسی نشانداده شود؟ ظاهراً کسی اینگونه فکر نمی‌کند. چرا که همه می‌دانند در شرایط کنونی ایران هیچ مطالبه‌ای از چنین خصلتی برخوردار نیست. حتی اگر مثلاً به جای ۳۵ ساعت بگوییم ۴۳/۵، بازهم چنین اتفاقی نخواهد افتاد. ۳۵ ساعت کار تازه دارد خود را بین کارگران ایران طرح می‌کند. در واقع هر کاری که تاکنون برای چهل ساعت می‌کردیم، حال برای ۳۵ ساعت می‌کنیم و دست هر کارگری را هم که برای چهل ساعت تلاش می‌کند می‌فشاریم.

آیا منظور از عملی نبودن این مطالبه این است که بورژوازی تن نخواهد داد؟ این را هر کارگری می‌داند که بورژوازی به هیچ چیز تن نخواهد داد تا این دومین باشد. شاید گفته شود که به یک معنای کلی ظرفیت جامعه ایران امکان ۳۵ ساعت کار را نمی‌دهد و در این صورت نیازهای جامعه برآورده نمی‌شود. اگر به بورژوازی نگاه کنیم این دلیل کاملاً درست است، چرا که این مطالبه می‌کوشد تا به نیاز بی انتهای بورژوازی به سود پاسخ بی انتها ندهد. اما اگر به توده کارگران نگاه کنیم مبارزه برای کاهش ساعت کار و در این مقطع مطالبه ۳۵ ساعت کار تلاشی است برای پاسخ گفتن به ابتدایی ترین نیازهای انسانی کارگر، تلاش برای کاهش بیکاری، تلاش هر چند اندک برای محافظت از جسم و روح کارگر، ایجاد کردن جهت رسیدن به روابط عاطفی، تلاش برای جلوگیری از خانه نشین کردن زنان و... می‌گویم تلاشی هر چند اندک، چرا که ۳۵ ساعت کار هم برایمان ابدی نیست. تازه باید به هر کس هم که نگران بالا و پایین شدن ظرفیت تولیدی جامعه به معنای کلی آن است، گفته شود که خودش مشغول کار شده و مفت خورها را هم به کار بکشد. استدلال دیگری که در تقابل با مطالبه ۳۵ ساعت کار طرح می‌شود اینست که، اگرچه طبق قانون کار جدید ساعت کار ۴۴ ساعت در هفته است، اما عملاً کارگر مجبور است ۷۰

اخبار کوتاه

پرو، مرگ کودکان در معدن

اجساد ۵۰۰ کودک که بعنوان برده در معدن طلا در کشور پرو کار می کردند کشف شد. این کودکان که بعزت ابتلا به یک بیماری مسری مرده اند در یک حراج به کسی که بیشترین قیمت را پیشنهاد کرده بود فروخته شده بودند. به گزارش رادیو بی بی سی این کودکان مجبور به کار در معدن هستند و اگر اقدام به فرار کنند کشته خواهند شد.

ژنرال، اعتصاب عمومی

در اواسط ماه ژوئیه، کارگران ژنرال علیه دولت و رئیس جمهور این کشور، به مدت دو روز دست به اعتصاب عمومی زدند. اعتصاب عمومی کارگران برای مهمترین منبع درآمد کشور یعنی صادرات مواد معدنی تهدید بزرگی بود.

بریتانیا، سیاست واحد اتحادیه ها

بر سر دستمزد

روز ۱۹ اوت رهبران اتحادیه های کارگران ترانسپورت، شهرداری، بخش مهندسی، و دولتی در بریتانیا طی یک گردهمایی توافق کردند تا حول یک سیاست واحد برای دستمزد متحد شوند. این اتحادیه ها خواهان یک حداقل دستمزد سراسری در کشور هستند.

بریتانیا، اخراج به جرم فعالیت

اتحادیه های

علیرغم رای دادگاه، بندر "تیلبری" حاضر نشد تا ۱۹ کارگر این بندر را که در سال ۱۹۸۹ بدلیل فعالیت اتحادیه های اخراج شده بودند، مجدداً استخدام کند. بحث و تصمیم گیری در مورد پرونده این کارگران ۱۶۸ روز بطول انجامید که طولانی ترین دادگاه صنعتی در تاریخ حقوقی بریتانیا محسوب می شود.

دومینیک، اعتصاب عمومی

در نیمه دوم ماه ژوئیه، کارگران دومینیک برای ۱۰۰ درصد افزایش دستمزد و همچنین استخدام مجدد ۳ هزار کارگر اخراج شده از کمیته دولتی برق بمدت دو روز دست به اعتصاب عمومی زدند. این اعتصاب همچنین علیه امضای قرارداد میان صندوق بین المللی پول و رئیس جمهور این کشور نیز بود که عواقبش برای کارگران ریاضت کشی اقتصادی و بیکار سازهای وسیع است.

آلمان، افزایش بیکاری

تعداد بیکاران در غرب و شرق آلمان در ماه ژوئیه بشدت افزایش یافت و در غرب آلمان که در ماه ژوئن ۱/۵۹ میلیون نفر بود در ژوئیه به ۱/۶۹ نفر میلیون رسید که معادل ۶/۳ درصد از نیروی کار در غرب آلمان است. در شرق آلمان نیز که در ماه ژوئن نرخ بیکاری ۹/۵ درصد بود در ماه ژوئیه به ۱۲/۱ درصد رسید.

استرالیا، افزایش بیکاری

نرخ بیکاری در استرالیا که در ماه ژوئن ۹/۳ درصد بود در ژوئیه به ۹/۸ درصد افزایش یافت. پیش بینی می شود که تا آخر سال میلادی جاری بیکاری در استرالیا به ۱۰/۷۵ درصد برسد.

اعتصاب ۲۱ هزار معدنچی بلغارستان

برای افزایش دستمزد

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۴ اوت، ۲۱ هزار کارگر معدن برای ۳۰۰ درصد افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار بمدت ۹ روز اعتصاب کردند. به گزارش رویتر، همزمان با اعتصاب معدنچیان ۱۵۰ هزار پزشک، پرستار و کارگران بیمارستانها که ۸۰ درصد از پرسنل درمانی کل کشور را تشکیل میدهند با مطالبات مشابه دست از کار کشیدند. کارگران مخابرات نیز اعلام کردند که به معدنچیان خواهند پیوست. ۶۰۰ کارگر معدن "یورپا" در نزدیکی شهر صوفیه در عمق ۷۰۰ متری زمین دست به اعتصاب غذا زدند. یکی از معدنچیان اعتصابی به خبرنگاران گفت: "بهر است که آدم

مثل حیوانات در زیر زمین بمیرد تا روی کره زمین به زندگی حیوانی ادامه بدهد. ما خواهان افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار هستیم اما مهمترین مسئله اینست که معادن "روی" در این منطقه بسته نشوند." بیکاری در بلغارستان هر روز افزایش می یابد. در اواسط ماه اوت ۳۰۲ هزار نفر بعنوان بیکار ثبت شدند. به گفته منابع دولتی تا آخر سال ۱۹۹۱، بیش از ۵۰۰ هزار نفر از نیروی کار ۴/۵ میلیونی این کشور بیکار خواهند شد. هم اکنون برای هر شغل در بلغارستان ۱۳ نفر متقاضی وجود دارد و بیش از ۱۰ درصد بیکاران را فارغ التحصیلان دانشگاهها تشکیل می دهند.

توافق کارگران ترکیه و دولت

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال اعتصابات وسیع کارگری در ترکیه و فراخوان یک اعتصاب سراسری از سوی "ترک ایش"، دولت ناچار به مذاکره شد و به مطالبات کارگران پاسخ مثبت داد. به گزارش روزنامه "گوش" چاپ ترکیه، بدنبال ۷ ساعت مذاکره میان رهبران "ترک ایش" و نخست وزیر ترکیه در روز ۲۳ ژوئیه، طرفین بر سر افزایش دستمزد کارگران به توافق رسیدند. طبق توافق نامه اخیر طی دو سال مجموعاً ۱۳۵ درصد به دستمزد کارگران افزوده خواهد شد. این افزایش دستمزد در ۶ ماه اول سال اول ۸۰ درصد، در ۶ ماه دوم سال اول و ۶ ماه اول سال دوم ۳۰ درصد، و در ۶ ماه دوم سال دوم ۲۵ درصد خواهد بود. به گزارش بهزاد صفری یکی از خبرنگاران کارگر امروز در ترکیه، ترک ایش کارگران را برای روز ۲۳ ژوئیه به اعتصاب عمومی فرا خوانده بود اما روز ۲۲ ژوئیه حدود ۶۰۰ هزار کارگر برای ابراز حمایت از اعتصاب عمومی، در شهرها و مراکز اصلی تولید، دست

کارگران آفریقای جنوبی

علیه آپارتاید

مرکز خبری کارگر امروز: با آنکه اخیراً جرج بوش به تحریم روابط بازرگانی با آفریقای جنوبی خاتمه داد اما اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی همچنان از هوادارانشان می خواهند تا از لحاظ اقتصادی سیستم آپارتاید را تحت فشار قرار دهند. به گزارش نشریه "لیبرنتز" چاپ آمریکا، اتحادیه کارگران تولید کاغذ اخیراً بر سر این مسئله کمیته بین المللی تولید کاغذ را تحت فشار گذاشت. امسال زمانیکه مجدداً مسئله قطع سوبسید کمپانی بین المللی کاغذ در "ماسونیت" آفریقای جنوبی مطرح شد، این کمیته باز پاسخ قدیمی و چندین ساله اش را داد: این مسئله به نفع اقتصادی و اجتماعی کارکنان آنجا نیست و می تواند امتیازات واقعی کارگران غیر سفید را از بین ببرد. کمیته بین المللی کاغذ می گوید که از نیروی کار ۱۸۰۰ نفر، ۸۰ درصد سیاهپوست هستند. به

اعتصاب معدنچیان در یورکشایر

مرکز خبری کارگر امروز: رهبران معدنچیان در بیش از یک سوم معادن یورکشایر، که مهمترین معادن بریتانیا در آن واقع است، اعلام کردند که در اعتراض به اخراج یک کارگر معدن دست به اعتصاب خواهند زد. این منطقه بسته نشوند." بیکاری در بلغارستان هر روز افزایش می یابد. در اواسط ماه اوت ۳۰۲ هزار نفر بعنوان بیکار ثبت شدند. به گفته منابع دولتی تا آخر سال ۱۹۹۱، بیش از ۵۰۰ هزار نفر از نیروی کار ۴/۵ میلیونی این کشور بیکار خواهند شد. هم اکنون برای هر شغل در بلغارستان ۱۳ نفر متقاضی وجود دارد و بیش از ۱۰ درصد بیکاران را فارغ التحصیلان دانشگاهها تشکیل می دهند.

به گزارش تایمز مالی، در حال حاضر قرار است که کارگران ۲۴ معدن در مورد اعتصاب رای بدهند. موفقیت کارگران، معدنچیان را وارد بزرگترین اعتصاب معدنچیان از سال ۱۹۸۵ - ۱۹۸۴ خواهد کرد. تهدید به اعتصاب پس از اخراج یک معدنچی در معدن "فریکلی" که حین کار خوابش برده بود صورت گرفت. بلافاصله پس از اخراج کارگر مزبور ۸۰۰ نفر از معدنچیان این معدن که به گفته اداره "ذغال سنگ بریتانیا" از مبارزترین



صحنه ای از تظاهرات کارگران اعتصابی در ترکیه

تحصن ۵ ساعته کارگران کرایسلر کانادا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۵ اوت، کارگران کمیته اتومبیل سازی کرایسلر در کارخانه "اتوبیکوک" در اعتراض به تعطیل کارخانه بمدت ۵ ساعت تحصن کردند. به گزارش روزنامه "تورنتو استار" چاپ کانادا، ۱۵۵ نفر از ۳۵۰ کارگر این کارخانه که قطعات آلومینیومی اتومبیل ها را تولید می کند، زمانیکه مدیریت کارخانه را به خریداران عرضه می کرد دست از کار کشیدند. به گفته یکی از نمایندگان اتحادیه،

در پائیز گذشته پیرامون تضمین شغلی مذاکراتی با مدیریت این کارخانه صورت گرفت اما در ماه مارس گذشته اعلام شد که کارخانه بفروش خواهد رسید. این گزارش حاکی است، تحصن کارگران پس از ۵ ساعت و زمانیکه مقامات بالای کمیته تضمین کردند که کرایسلر مسئله امنیت شغلی کارگران را روشن خواهد کرد، به پایان رسید. مدیریت همچنین پذیرفت که تا تعیین وضعیت کارگران کارخانه را به خریداران عرضه نخواهد کرد.

ایتالیا، بن بست مذاکرات اتحادیه ها با کارفرماها

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۳۰ ژوئیه مذاکرات اتحادیه ها، دولت و کارفرماها در مورد هزینه ها، مالیات و دستمزد کارگران بخش خدمات بی نتیجه ماند. به گزارش تایمز مالی، این مذاکرات بمنظور کاهش هزینه های کار و مبارزه با تورم صورت گرفت. از سال گذشته که لیره ایتالیا به سیستم پولی

اروپا پیوست دولت می کوشد تا هزینه تولید در ایتالیا را کم کند و کارفرماها در پی کاهش هزینه بیمه های اجتماعی کارگران هستند. در مذاکراتی که در اواسط ماه ژوئن نیز جاری آغاز شد و در ماه سپتامبر نیز ادامه می یابد نمایندگان کارگران و اتحادیه ها بر مسئله افزایش دستمزد و بیمه ها پافشاری می کنند.

مبارزه کارگران نیویورک برای قرارداد دسته جمعی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۸ ژوئن، ۲۵۰۰ کارگر بخش خدمات خانگی به سالمندان و بیماران نیویورک دست به اعتصاب زدند و خواهان مذاکره برای قرارداد شدند. به گزارش نشریه "لیبرتی" چاپ آمریکا، این دومین اعتصاب کارگرانی بود که بیش از یکسال بدون قرارداد به کار مشغول بودند. اولین اعتصاب کارگران در روز ۱۷ آوریل صورت گرفت و بیش از ۱۰ هزار کارگر در این اعتصاب یکروزه شرکت کردند.

این کارگران که اغلب در فقر زندگی می کنند ۹۶ درصد زن، ۹۰ درصد آفریقایی - آمریکایی و ۵۰ درصد خارجی هستند. بیش از ۵۰ درصد این کارگران تنها نان آور خانواده خود هستند. دستمزد متوسط کارگران این بخش در هر ساعت ۵/۹۰ دلار است که پس از یکسال کار به ۶/۲۰ دلار در ساعت می رسد. کارگران خواهان برنامه بازتثبیتی و افزایش یک دلار حق بازتثبیتی هستند اما شهرداری پیشنهاد ۱/۵ درصد یعنی ۹ سنت در ساعت را داده است.

علاوه بر این کارگران بخش خدمات همراه کارگران دیگر این شهر علیه کاهش ۸۷۵ میلیون دلار از بودجه خدمات توسط دولت نیز به مبارزه برخاسته اند. این کاهش بودجه بیکاری ۵ هزار کارگر را بدنبال خواهد داشت. کارگران بخش نگهداری از بیماران و سالمندان قانوناً جزء کارگران خدمات درمانی بحساب نمی آیند و حق اضافه کاری قانوناً شامل آنها نمی شود در صورتیکه کارگران اغلب روزانه ۱۲ ساعت کار می کنند.

اعتصاب کارگران علیه افزایش قیمت بنزین در ونزولا

مرکز خبری کارگر امروز: در اواسط ماه اوت، هزاران کارگر بخش ترانسپورت در اعتراض به افزایش قیمت بنزین دست به اعتصاب نامحدود زدند. به گزارش رویترز، یکی از مقامات کنفدراسیون کارگران ترانسپورت اعلام کرد که در این اعتصاب که روز ۱۲ اوت آغاز شد بیش از ۳۰۰ هزار کارگر شرکت کردند و رفت و آمد در بسیاری از شهرها کاملاً راکد شد.

در "کاراکاس" پایتخت این کشور، ۳۵ هزار کارگر مترو و رانندگان اتوبوس که به اعتصاب رای منفی داده بودند سر کارهایشان حاضر شدند. در فوریه سال ۱۹۸۹ که دولت "کارلوس آندرس پریز" اعلام کرد قیمت بنزین افزایش می یابد شورش و اعتراضات کارگری سراسر ونزولا را فرا گرفت و طی آن صدها نفر کشته شدند.

بیکاری وسیع کارگران در کانادا

مرکز خبری کارگر امروز: از زمان امضای قرارداد تجارت آزاد میان آمریکا و کانادا ۲۶۷ هزار شغل در کانادا از بین رفته و به آمریکا و مکزیک منتقل شده است. به گزارش روزنامه "تورنتو استار" چاپ کانادا، بیشترین مشاغل در صنایع فلز از بین رفته است. در مترو تورنتو از زمان امضای قرارداد یعنی ژانویه ۱۹۹۰ بیش از ۸ هزار کارگر شغلشان را از دست داده اند. بسیاری از کارگران در تولیدات مواد غذایی، وسایل خانه و صنایع ابزارسازی نیز بیکار شده اند.

ترتیب کارگران فصلی و روستایی مخالفتی نداشته باشد، آنوقت ۳۵ ساعت کار برای این کارگران همان معنایی را پیدا می کند که برای دیگر کارگران ایران و جهان دارد. می توان گفت دست یافتن به این مطالبه برای کارگران قالیباف و فصلی و روستایی خیلی سخت است چرا که این بخش از کارگران ایران خیلی بیشتر از بخشهای دیگر متفرق و پراکنده اند. اما نمی توان گفت غلط است، چون تکنیک و ابزار تولید فرش "شاه عباسی است" و اجرا ۳۵ ساعت کار باعث ورشکستگی کارگاهها می شود. این نباید معضل ما باشد. همچنانکه نابود شدن ما معضل صاحبان سرمایه نیست. ورشکستگی و بسته شدن کارخانه های به این دلیل است که صاحب کارخانه سود دلخواهش را حاصل نمی کند. اگر با این وضع روبرو شویم، یعنی کارگران موفق شوند مطالبه های به کارفرما تحمیل کنند که باعث ورشکستگی اش شود و در کارخانه را ببندد، در آن صورت کارگران در وضعیتی قرار خواهند داشت که خود رسماً در را باز کنند. در اینجا جدا از بحث مربوط به مطالبه ۳۵ ساعت، نکته ای مطلقاً قابل فهم نیست. این درست است که بشر برای بهتر زندگی کردن نیاز دارد که ابزار را تکامل دهد تا بیشتر تولید کند و با توسعه دادن رفاه زندگی، خود را از شر معضل معاش خلاص کرده و به دیگر نیازهای انسانیش بپردازد، اما چرا برای این کار مجبور است حضور عده ای جانور را با نام صاحبکار و سرمایه دار تحمل کند؟ آیا غیر از این است که سرمایه حضور خود را با اتکا به اسلحه ای که در دست دارد به انسانها تحمیل می کند؟ آیا نقش سرمایه در تولید کردن بشر و امکانات تولیدی اوست؟

۲ - "تقدم نیروهای مولده بر مناسبات تولید": بر سر این ایده پلای نازل شده که بر سر هر ایده شریفی آمده است. دیکتاتوری

افزایش سن بازنشستگی در ایتالیا

مرکز خبری کارگر امروز: برنامه دولت ایتالیا در تغییر سیستم بازنشستگی به ضرر کارگران در دست تصویب است. به گزارش تایمزمالی، نتایج مذاکرات و مباحث دو ماهه بر سر تغییر سیستم بازنشستگی نشان می دهد که سن بازنشستگی برای زنان و مردان به ۶۵ سال خواهد رسید و حقوق این دوره افزایش خواهد یافت. در حال حاضر سن بازنشستگی در این کشور برای زنان ۵۵ سال و برای مردان ۶۰ سال است. درحالیکه اتحادیه های کارگری در مخالفت با تغییر سیستم بازنشستگی دولت به باد انتقاد گرفته اند، وزیر کار ایتالیا که خود طراح این تغییرات است گفت: این تحولات ایتالیا را به جامعه اروپا و میزان هزینه ای که برای بازنشستگی در این جامعه صرف می شود، نزدیکتر می کند.

بقیه از صفحه اول

اعتصاب کارگران پست ...

بنا به این گزارش، آندره کولومبار یکی از رهبران رادیکال اتحادیه کارگران پست و مسئول شاخه تورنتو بلافاصله بعد از آغاز اعتصاب توسط کارفرما اخراج شد و دادگاه او را قانوناً از نزدیک شدن به پیکت و سخنرانی برای کارگران محروم ساخت کرد. (گفتگوی وی با کارگر امروز را که قبل از این اعتصاب انجام شده بود، در همین شماره می خوانید) بنا به این گزارش، دولت و کارفرماها برای در هم شکستن اراده و اعتصاب کارگران به اقدامات

اعتصاب مذاکره بین اتحادیه و کارفرماها همچنان ادامه دارد. در ۲۷ اوت وزیر کار کانادا اعلام کرد تا زمانی که این مذاکرات کاملاً شکست نخورده دولت نمی تواند با تصویب یک قانون در پارلمان کارگران را مجبور سازد که پسر کار بر گردند. از سوی دیگر در ۲۹ اوت اتحادیه کارگران خدمات اجتماعی کانادا که ۱۶۵ هزار عضو دارد اعلام کرد که از شامگاه همین روز دست به اعتصاب خواهد زد. رهبر این اتحادیه در یک مصاحبه با رسانه های کانادا اظهار داشت که ما خواهان اعتصاب نیستیم. اما دولت با مخالفت با



کارگران پست کانادا اعتصاب را تدارک می بینند

خواسته های کارگران ما را ناکزیر از این کار می کند. وی افزود ما با کارگران پست به جنگ دولت مرکزی می رویم. در ۳۰ اوت رئیس جمهور کانادا اعلام کرد که دولت برای پایان دادن به اعتصاب وارد عمل خواهد شد و متعاقب آن دولت پیکت کارگران در شهرهای مونترال و تورنتو را غیر قانونی خواند. بنا به آخرین گزارش اعتصاب همچنان ادامه دارد.

وسعی دست زده اند. از جمله دادگاه ایالتی تورنتو با تصویب یک قانون تعداد کارگران شرکت کننده در پیکت را به حداکثر چهار نفر محدود ساختند و اعتصاب شکنان را تحت محافظت پلیس از خطوط پیکت عبور می دهند. در تورنتو کارفرما اعتصاب شکنان را با هلیکوپتر پسر کار می برند. این گزارش حاکی است، در کنار

هم تابع زیر بناسست، هر وقت زیر بنا آماده شد خودش ما را خیر میکند! انقلاب شد گفتیم شوراها را کارگری، گفتند که زیر بنا می گوید من در مرحله "انقلاب دمکراتیک" هستم دست نکه دارید. تا اینکه به خارج آمدیم و "مرحله آماده" زیر بنا را از نزدیک دیدیم. قساقوتی به مانند "مرحله ناآماده اش".

۳ - "طبقه کارگر ایران در چه مرحله از رشد قرار دارد. تولد - جوانی یا بلوغ؟" معلوم نیست چرا اینگونه سؤالات و مرحله بندی ها در مورد طبقه سرمایه دار طرح نمی شود. مثلاً چرا کسی نمی گوید طبقه سرمایه دار در ایران در مرحله تولد یا جوانی است، پس اجازه ندهیم به بلوغ برسد؟ یا چرا کسی نمی گوید سرمایه در مرحله بلوغ است و کاملاً بین المللی شده، پس کارگران هم باید بصورت بین المللی و یکدست شرایط فروش کارشان را در مقابل سرمایه قرار دهند؟ سؤال فوق "واقعی ترین" بخش نظرات آقای "فتکر - آلمان" است. چرا که به طرز تکان دهنده ای یک توهم واقعی و ملموس به کارگر ایرانی در پایان، آقای "فتکر - آلمان" وعده داده اند که مقاله ای مستند پیرامون ساخت اقتصادی و کارگری ایران تهیه کنند. ما نمی دانیم هدف از تهیه مقاله چیست. اما اگر این مقاله بخواهد به نحوی در خدمت اثبات "غیر واقعی بودن مطالبه ۳۵ ساعت کار در ایران" قرار گیرد، باید بگویم که بی فایده است، چرا که ما به هر حال از این مطالبه صرف نظر نخواهیم کرد. نه به این دلیل که می خواهیم از کارگر آلمانی "تقلید" کنیم (که تازه در این صورت افتخار هم می کنیم) و یا اینکه لج می کنیم، بلکه به این دلیل ساده که بالاخره باید وقت پیدا کنیم تا صحت و سقم تئوریا و آمارهای امثال شما را بررسی کنیم.

می خواهید، متشکل هم هستید و تا بگویم نه، فوراً اعتصاب می کنید. نه خیر آقایان و خانمها شما را به خیر و ما را به سلامت. شما آزادید هر چه می خواهید بگوئید، منم آزادم هر جا می خواهم بروم. اضمحلال بلوک شرق، از بین رفتن طیف کشورهای جهان سومی وابسته به شوروی و باز شدن دروازه های چین منابع جدیدی از کار ارزان را به کشورهای قدیمی تامین کننده کار ارزان افزوده و از این نظر دنیای عظیمی را در مقابل سرمایه گشوده است. به عنوان مثال قرارداد تجارت آزاد بین کانادا، آمریکا و مکزیک و انتقال سرمایه ها به مکزیک دارد کارگر کانادایی را به روز سیاه می نشاند. پاسخ کارگران اروپا و آمریکا به این وضع باید پاسخ کارگران هر کشوری باشد و مطالبه ۳۵ ساعت کار می تواند به سهم خود به یکی از مطالبات بین المللی کارگران دنیا در مقابل سرمایه تبدیل شود تا به هر جا که قدم گذاشت در مقابل خود شرایط فروش یکسان نیروی کار را ببینند. اما تئور "تقدم نیروهای..." را سالهاست که به ابزاری برای کلاه گذاشتن بر سر کارگر تبدیل کرده اند. با این تئور حکومت کارگران روسیه را به خاک و خون کشاندند، با این تئور کلاه بزرگی به اندازه سر یک میلیارد نفر ساختند و سر کارگران چینی گذاشتند. با این تئور به مدت پنجاه سال به هر کارگر ایرانی که خواست برای گوشه ای از حقوقش مبارزه کند گفتند این مبارزه تو درست نیست، صاحبکارت ملی و خودی است و تازه تو راه را گم کرده ای باید بروی از طریق روستا به شهر بیایی. با این تئور در مقابل کارگر اعتصابی کوره های بوکان و کارخانه شاهو سنج قرار گرفتند و به ریشش خندیدند و گفتند تو را چه به اعتصاب، تو که رعیتی. گفتیم مذهب بیداد می کند، موقعیت زنان دردناک است، کاری کنیم، چیزی بگوئیم، گفتند نه، مذهب و موقعیت زنان جزو روبرناست و روبرنا

برولتاریا را به آنچنان هیولای خون آشامی تبدیل کرده اند که خود کارگر هم جرات گفتش را ندارد. از سوسیالیسم تصویری ارائه می شود که گویا یکساعته بشریت را نابود می کند. مبارزه طبقاتی، دولت کارگری، آزادی، همه به همین ترتیب. اگر ریکی در کفش مان نباشد باید امروز از بحث "تقدم نیروهای..." بلافاصله مطلوبیت ۳۵ ساعت کار را استنتاج کنیم. چگونه؟ بخش اعظم نیروهای مولده خود کارگران هستند. نگرانی برای نابود شدن نیروهای مولده، یعنی نگرانی برای نابود شدن کارگر و تلاش برای تکامل نیروهای مولده یعنی تلاش برای تکامل همه جانبه کارگر. بیکاری کارگر و برعکس ساعت کار زیاد، یعنی نابودی او، امروز ابزار تولید تا آنجا تکامل یافته که همه می توانند کم کار کنند و اسانی زندگی کنند. اگر اینگونه شود کارگر تکامل ابزار را به جایی می رساند که دیگر نیازی نباشد برای معاش کار کند. بلکه به کار برای تولید معنویات و کار برای کنترل بیشتر بر طبیعت بپردازد.

اما سرمایه با این موافق نیست. او به فکر پروار کردن خود است. لذا آخرین محصولات کار کارگر را علیه خود وی به کار می اندازد. کارخانه را کامپیوتریزه کرده، اکثر کارگران را به خیابان پرت می کند و بقیه را با ساعت کار بالا به کار می کشد. او این کار را فقط با اتکا به اسلحه ای که در دست دارد انجام می دهد. کارگران اروپا هم پا جلو گذاشتند و گفتند خوب فعلاً که زورمان نمی رسد اختیار را از آنها بگیریم، ۳۵ ساعت کار چیزی است که اولاً بیکاری را کاهش می دهد ثانیاً به ما فرصت بیشتری می دهد تا به وضع خودمان سروسامان دهیم. سرمایه که با این وضع روبرو شد به کارگران اروپایی و آمریکایی اعلام کرد که شما اصلاً برای من گران تمام می شوید. می خواهید کم کار کنید، همگی کار کنید، مزد زیاد بگیرید، خدمات اجتماعی

امیر پیام
کانادا

بقیه از صفحه اول

درباره منشور حقوق بیکاران

امکان اشتغال بیشتر از مهمترین مطالبات مطروحه در منشور است که در جزئیات فرموله شده است. خواست ایجاد اشتغال در عرصه نیازهای اجتماعی، نظیر خدمات عمومی که سرمایه تمایلی به آن ندارد، از دیگر نکات مهم در منشور حقوق بیکاران است. بند ۴ از ماده ۵ منشور خواهان "کاسته شدن از مخارج تسلیحاتی و افزایش مالیات بر سرمایه به منظور فراهم آوردن منابع تامین خدمات اجتماعی است". منشور در جزئیات بسیار بر مطالباتی در زمینه تامین اجتماعی برای همه و برخورداری بدون تبعیض و فشار از کمک هزینههای اجتماعی تأکید کرده است. بند ششم منشور شاید از جمله رادیکالترین فرمولبندیها علیه تبعیض در جامعه و طبعاً علیه بیکاران است: "ما خواهان آن هستیم که تبعیض بر اساس نژاد، فرهنگ، ملیت، جنس، مذهب، سن، تمایلات جنسی، معلولیت، مدت بیکاری و سابقه سیاسی ممنوع گردد." و بالاخره منشور حقوق بیکاران علاوه بر مطالبات دقیقی در مورد "در دسترس بودن آموزش با کیفیت خوب برای کارگران شاغل و بیکار"، رشته مطالباتی را در زمینه حقوق و امکانات بیکاران برای ایجاد تشکلهای خاص خود و همکاری و همبستگی با شاغلین و تشکلهای آنان بر می شمارد.

اما این منشور از کجا آمده است؟ شرکت در کنفرانس دوم فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی و شتیدن سخنان خانم "لوتا ژیوسن" نماینده کمیته دانمارکی "شیکه بیکاران اروپا" که توضیحاتی در مورد این شبکه و منشور بیکاران ارائه داد، برای من فرصتی بود تا آشنایی بیشتری با این جریان بیابم و خواهان گفتگوی نزدیکتری با بخش دانمارکی "ای.ان.او" شوم. در پاسخ به این دعوت چند روز بعد توانستم "لوتا" که از ۱۷ سالگی تا ۲۴ سالگی بیکار بوده و اکنون از فعالین جنبش بیکاران است، و نیز مسئول کمیته بخش دانمارکی شبکه بیکاران "کنت موگسن" را یکی از این گروه پنج ساله است که هر سال دوره‌های بیکارست، را در "خانه بیکاران" کپنهاگ و در واقع مقر بسیار محقر کمیته دانمارک ملاقات کنم.

این منشور در کنفرانس تابستان گذشته در اسپانیا به تصویب رسید. نمایندگانی از بیکاران ۹ کشور اروپایی، ایرلند، انگلستان، اسکاتلند، اسپانیا، پرتغال، آلمان، فرانسه، دانمارک و هلند حضور داشتند. اتریش هم نماینده ناظر داشت. نحوه دستیابی به این منشور از آنجا آغاز شد که عده‌ای از بیکاران انگلستان یک مطالبه ده ماده‌ای مطرح ساختند که در آنجا با استقبال وسیع بیکاران مواجه شده بود و نفوذ آن تا آنجا بود که در رهبری حزب کارگر و همچنین پارلمان انگلیس مطرح شد. خوب ما هم فکر کردیم می‌توان چنین

مشترک اروپا برقرار کرده‌اند و می‌کوشند تا منشور حقوق بیکاری را در منشور تامین اجتماعی اروپای متحد وارد کنند. همکاری اتحادیه‌های کارگری با شبکه بیکاران چگونه است؟ "کنت" با حساسیت تأکید کرد: "ما حرکتی مستقل از جنبش اتحادیه‌های هستیم. ما مستقل از اتحادیه‌ها هستیم اما در کشورهای مختلف با اتحادیه‌ها همکاری می‌کنیم. اگر ما در جنبش اتحادیه‌های سازماندهی شده بودیم ناچار بودیم با اتحادیه‌هایی که ریشه مافیایی دارند قاطی شویم. توجه کنید که این منشور برای کشورهای مختلف نوشته شده



کنت موگسن و لوتا ژیوسن اعضای کمیته دانمارکی شبکه بیکاران اروپا

خوب آنهايي که ريشه مافیايي ندارند؟ يا اينها چه مشکلي دارند؟ - ببينيد جنبش اتحاديه‌هاي همه کارگران را نمائندگي نمي‌کند. براي مثال در دانمارک هشتاد درصد کارگران عضو اتحاديه هستند، اما در پرتغال اينطور نيست. آنجا چهل درصد صنايع با کار سپاه مي‌چرخد. هرچه که پايين تر مي‌روي درجه تشکيل در اتحاديه کمتر مي‌شود. البته در دانمارک بهتر از پرتغال مي‌توانيم پيشروي داشته باشيم. اما در دانمارک هم بیکاران و جنبش آنها چندان مورد توجه اتحاديه‌ها نيست. جنبش بیکاري در اتحاديه نمائندگي نمي‌شود. آنها پولی در راه سازماندهي بیکاران خرج نمي‌کنند. براي مثال "اس.ای.د." اتحاديه کارگران متخصص کوشش کرد که یک تشکيلات سراسري براي بیکاران درست کند که با مخالفت رهبري اتحاديه روبرو شد و روی زمین ماند. به سوالي مي‌رسم که قبلا با لوتا مطرح کرده بودم و جوابي سربسته گرفتم: کدام چريانات سياسي و فکري در درون "ای.ان.او" وجود دارند؟ - همه جور از منتهي گرفته تا سوسيال دمکرات و آنارشيست و کمونيست و کلا طيفي از چپها و سوسياليستها.

طرح مجدد سؤال مذکور چيز بيشترى دستگير نکرد. همچنين اصرار دارند که بگويند "از احزاب مجزا هستيم". در عين حال براي مثال در انگلستان با "ليبر" و کلا نمائندگان چپ پارلمان در هر کجا که گير بياورند همکاری دارند. بنظر شما منشور بیکاران یک مقدار زيادي اروپايي نيست؟ آيا تمايل به همبستگي بين‌المللي کارگري نيايستي مورد تأکيد بيشترى قرار بگيرد؟ - خوب اروپايي‌ها اينرا درست کرده‌اند. انعکاس زندگي روزانه ماست. اگر بخواهيم براي جاهاي ديگر هم باشد به یک سازمان ديگر احتياج داريم. و بعد که اصرار مرا

ممنوع کند. ولی مشکل است چنین چیزی را بتصویب رساند وقتی تمام رهبری "ال.او" مخالف است. اما در آلمان مثلا ۳۵ ساعت مشکلی نداشت و کارگران می‌روند که سال آینده آنرا بگیرند. ولی در پرتغال طرح چنین خواستی زمینه نداشت و ما در عوض حقوق بیکاری را مطرح می‌کنیم. ما نمی‌توانیم با توجه به وضعیت کشورهای مختلف همدیگر را به خواست مشخصی مقید کنیم. ما علی‌الاصول خواهان کاهش ساعت کار هستیم.

بیکاران همیشه برای متشکل شدن دچار مشکل بوده‌اند، الان وضع چطور است؟ - یک خواست ما اینست که بیکاران در سطوح رهبری اتحادیه‌ها نماینده داشته باشند و نمائندگی بشوند. در عین اینکه آنها باید بپذیرند که ما مستقل کار کنیم و خودمان فعالیتهای خودمان را سازمان دهیم. یک مشکل در جنبش بیکاری اینست که کارگرانی که فعالیت و کارا ترند زودتر امکان پیدا کردن شغل دارند. بنابراین آنها به سر کار می‌روند و جنبش از فعالین و رهبران ثابت محروم می‌شود. به این خاطر اتحادیه‌ها باید قبول کنند که یک نفر بطور ثابت در این رابطه با جنبش بیکاری فعالیت کند و مزدش را از اتحاديه بگیرد.

از طرف ديگر بیکاران هم باید به مبارزات شاغلين ياري برسانند در اعتراضات و پيکت های آنها شرکت کنند و از خواستهايشان حمايت کنند. براي بهبود شرايط کار ما به يکديگر نياز داريم. "لوتا" اضافه مي‌کند که بايد اتحاديه‌ها مراکزي براي بیکاران داشته باشند که بتوانند دورهم جمع شوند و اين در جلوگیری از رفتن بیکاران به صف اعتصاب شکنها موثر است. دشوار است که جنبش بیکاران به تنهایی و بدون حمايت شاغلين راه به جايي ببرد. کلا وضعیت جنبش کارگري امروز از شاغل و بیکار را بطور مي‌بيند؟ - جنبش کارگري بطور کلی؟ در کجا؟ در همه جا؟ و بعد هر دو می‌خندند و می‌گویند اينقدر کوچک است که نمی‌شود آنرا دید! مشکل است که اختلافات و منازعات کار و سرمايه و مبارزه طبقاتي را بوضوح دید. چرا که رهبران اتحاديه‌ها و نمائندگان بورژواها در یک جايي دور از چشم کارگران به توافق می‌رسند. آنهايي که کار می‌کنند کارهاي نيستند و در عوض رهبران با ساخت و پاخت هاشان همه امور را در دست دارند. من نگران اينم که اگر جنبش کارگري (و از جنبش کارگري مشخصا منظورشان اتحاديه هاست) تاکتيک خود را عوض نکند در ده سال آینده کاملا خلع سلاح شود. منظورم اينست که بايد اتحاديه‌ها به عرصه فعاليتهاي اجتماعي رو بياورند و نه فقط رو به اعضای خود که رو به کل جامعه کار کنند. بايد کارهاشان به نفع کل جامعه باشد مثلا براي بیکاران کارهاي بکنند، محيط اشتغال بوجود بياورند، در شهردارهاي و دولتهاي محلي شرکت بکنند و در تصميم گيرهاي هر منطقه شرکت بکنند. رهبران و فعالين اتحاديه بجاي اينکه پشت ميزشان بنشينند، بروند با کارگران جواني که رغبتي به اتحاديه نشان نمي دهند صحبت کنند. به مسائل محيط زيست توجه بکنند. به مشکل مسکن بپردازند. به جاي اينکه به سنتهاي کهنه بچسبند به نيازهاي واقعي جامعه پاسخ بدهند.

یعنی یک چهارم حداقل دستمزد در ایالات متحده) در حالیکه متوسط دستمزدها در بقیه نقاط مکزیک چیزی برابر ۵۰ سنت در ساعت است. ولی هزینههای زندگی نیز به نسبت دیگر نقاط مکزیک چندین برابر است. نیروی کار ارزان تنها یک عامل جذب سرمایه‌ها به این منطقه مرزی است. نکته "جذاب" دیگر عدم وجود کنترل‌های قانونی بر رعایت قوانین مربوط به حفاظت محیط زیست و بهداشت محیط کار است. بسیاری از کارگران از فشار شدید کار و وجود گازهای سمی در محیط کار شکایت دارند، بطوریکه در بعضی از کارخانجات سازی گرفته تا صنایع شیمیایی و مبل سازی کار می‌کنند. "آریکوتا گارفاس" یک مادر ۳۷ ساله بهمهرا ۳ فرزند نوجوانش و ۸۵۰ کارگر دیگر در یک کارخانه مبل سازی آمریکایی که شعبه خود را در لس آنجلس تعطیل کرده و اینسوی مرز آمده است کار می‌کند. او می‌گوید: "کجای دیگر می‌توانم برای خودم و بچه‌هایم کار پیدا کنم؟" آریکوتا همانند صدها هزار تن دیگر از دیگر شهرهای مکزیک بسوی این منطقه صنعتی آمده است. متوسط دستمزدها در ماکیدورس بین ۸۰ سنت تا ۱/۲۰ دلار در ساعت است

تجارت آزاد یا کارگر ارزان

بی شک نوید آینده‌های را می‌دهد که بزودی فرا خواهد رسید. این شهرک کوچک خود بخشی از مجتمع‌های عظیم صنعتی موسوم به "ماکیدورس" می‌باشد که در حاشیه مرزی مکزیک و آمریکا قرار گرفته است. در این حاشیه مرزی نزدیک به نیم میلیون کارگر در صنایع گوناگون از اتوموبیل

تلخیص شده از: لس آنجلس تایمز
با قرارداد "تجارت آزاد" که تقریباً کلیه موانع گمرکی بین آمریکا و مکزیک را از میان بر می‌دارد، آنچه امروز در شهرک کوچک "چیلپالینگو" واقع در شمال مکزیک می‌گذرد

کارگاه امروز

مصاحبه با منصور حکمت

پیامدهای وقایع شوروی

کارگر امروز: کودتا در شوروی آخرین و خشن ترین مقاومت نیروهای سرمایه داری دولتی در مقابل بازار آزاد بود و به نتایج مخالف اهداف گردانندگانش منجر شد و به یک اقلیت راست افراطی مهلتت و "در صحنه" میدان عمل بسیار داد تا آنجا که حتی فعالیت حزب کمونیست شوروی متوقف شد و ممنوعیت فعالیت کمونیستی در این کشور را بطور جدی بمیان آورده است. بنظر شما آیا این بیانگر توازن قوای فعلی نیروهای اجتماعی در شوروی است؟

را منعکس نمی کند. اما این موازنه بنیادی تر را هنگامی می شود در جلوی صحنه مشاهده کرد که این دور تحولات سیاسی به فرجام رسیده باشد. شخصا تصور نمی کنم جناح به اصطلاح محافظه کار از نظر سیاسی در این دور چاره‌ای جز تسلیم به روندهای سیاسی موجود داشته باشد. ممکن است از سر استیصال به اقدامات دیگری دست بزند، اما جناح مقابل بنظر من بسادگی بر آن فائق خواهد آمد.

منصور حکمت: اول یک نکته راجع به "راست و چپ" در صحنه سیاسی شوروی امروز بگویم. معنی رایج این اصطلاحات، همانطور که معنی کلماتی نظیر رفم و انقلاب، در دوره ریگان و تاجر و سپس بویژه با تحولات بلوک شرق ظاهرا تغییر کرده است. مفسران غربی، جناح طرفدار نظم قدیم در شوروی را، درست به دلیل همین طرفداران بازار آزاد را، بدلیل خواست تغییر نظم قدیم، جناح چپ، بیکار سازی و زدن بیمه های اجتماعی رفم نامیده می شود و برافراشتن پرچم روسیه تزاری، انقلاب، بهرحال شاید لازم باشد به همین دلیل در مورد شوروی از اصطلاحات دیگری استفاده کنم.

ک.ا: با شکست کودتا یکبار دیگر یک کمپین تبلیغاتی در مقیاس جهانی علیه کمونیسم و ایده‌های کمونیستی جریان یافت و مفسران رسانه ها مرگ کمونیسم را اعلام کردند. بنظر شما کمونیسم در دهه آینده دچار معضلاتی خواهد بود؟

اما درباره سئوال آیا اوضاع پس از کودتا و یکه تازی جناح مدافع بازار توازن قوای فعلی نیروهای اجتماعی در شوروی را بدرستی منعکس می کند؟ بنظر من هم آری و هم نه. از یکسو این وضعیت حاکی از شکست ایدئولوژیکی و سیاسی برگشت ناپذیر نیروهای مدافع نظام تانکونی در شوروی است. بعبارت دیگر بنظر می رسد در سطح سیاسی و ایدئولوژیکی این انعکاس کمابیش درستی از توازن قوای کنونی هست. اما گمان نمی کنم معنی عواقب اقتصادی این پیشروی ایدئولوژیکی و سیاسی جناح مدافع بازار برای توده وسیع مردم شوروی و طبقه کارگر بطور اخص هنوز بدرستی مفهوم شده باشد، یا تا آن حد که تاکنون درک شده مورد قبول باشد. توده کارگر و زحمتکش از نظر اقتصادی ناراضی، ولو نسبت به عواقب اقتصادی حاکمیت بازار هم توهمی نداشته باشد، در سطح وسیعی به دفاع از نظم پیشین بر نمی خیزد. این نظم از نظر سیاسی در نظر جامعه بطور کلی شکست خورده است. اما بنظر نمی رسد کارگران شوروی، و توده مردمی که همان امنیت اقتصادی اندکی که در نظم قدیم داشتند هم با اقتصاد بازار به خطر می افتد، به اردوی ضد کودتا تعلق داشته باشند.

م.ح: بنظر من آنچه علیه کمونیسم شاهدیم بسیار بیشتر از یک کمپین تبلیغاتی است. امروز بورژوازی دارد به پیشروی های مادی مهمی علیه کمونیسم و طبقه کارگر جهانی ناائل می شود. جای تأسف، و در واقع یک طنز تلخ تاریخ، است که فروپاشی یک قطب سرمایه داری و یک مدل سیاسی - اقتصادی بورژوازی عامل و محملی است که این تعرض بر مینای آن صورت می گیرد. نفس وجود بلوک سرمایه داری دولتی در شوروی و اروپای شرقی خود یک مانع دست و پاگیر اساسی بر سر راه رشد کمونیسم و انقلاب جهانی کارگری بود و امروز فروپاشی آن هم شرایطی برای فشارهای سیاسی و ایدئولوژیکی عظیم تری بر طبقه کارگر را بوجود آورده است. هم در پیدایش و هم در فروپاشی این بلوک ما کمونیستها زبان کرده ایم. در کنگره سوم حزب کمونیست ایران در بهمن ۶۷ این وضعیت را بعنوان نتیجه اجتناب ناپذیر شکست بلوک شرق از جناح راست بورژوازی پیش بینی کردیم. گفتیم که مستقل از ماهیت سرمایه دارانه بلوک شرق، فروپاشی این بلوک به تعرضی وسیع علیه کمونیسم واقعی و جنبش طبقه کارگر منجر می شود چرا که این فروپاشی نه به دلیل پیشروی کمونیسم کارگری بلکه در اثر تعرض راست جدید رخ می دهد.

اما هلله سران و سخنگویان بورژوازی در مرگ کمونیسم بشدت زودرس است. کمونیسم یک کپش، تعدادی مجسمه و یا حتی یک مدل سیاسی و اجتماعی نیست. کمونیسم یک ایدئولوژی نیست. کمونیسم یک حرکت انتقادی اجتماعی است. ایده الهای بنیادی ای در این حرکت دنبال می شوند که قلم گرفتن آنها مادام که جامعه بشری وجود دارد ممکن نیست. کمونیسم جنبشی برای برابری انسانها و غلبه انسان بر حیات اقتصادی و سیاسی خویش است. کمونیسم جنبشی بر سر خلصی از خرافه است. کمونیسم جنبشی برای آزادی و آزاد اندیشی است. کمونیسم جنبش آزادیخواهانه کارگر در جامعه سرمایه

مطمئن شوم که دولت هیچ تبصره‌ای مبنی بر کاهش تعداد کارگران در قرارداد جدید نمی گنجاند. اعضای اتحادیه خواهان مقابله با اقدامات اداره پست برای از بین بردن کار تمام وقت و تبدیل آنها به کار نیمه وقت هستند. مواردی داریم که ۵۰ درصد کار تمام وقت در بخش پست رسانی کاهش یافت. مدیریت به برخی از کارگران بازنشستگی زودرس پیشنهاد کرد و به برخی دیگر اعلام کرد که خود را بازخرید کنند و برخی را مجبور کرد که در دفاتر کار کنند. همزمان تعداد کارگران نیمه وقت ۱۰۰ درصد افزایش یافت. پروسه فروش شرکت پست به بخش خصوصی که با از دست دادن شغلها همراه است مدت‌هاست که در جریان است. بهمین دلیل از مسائل مهم اتحادیه است و در اولویت قرار دارد.

گفتگو با دبیر اتحادیه کارگران پست تورنتو



آندره کولومبار* دبیر اتحادیه کارگران پست کانادا در ناحیه تورنتو است که هم اکنون در اعتصاب بسر می برند. قبل از آغاز این اعتصاب فاتح بهرامی همکار کارگر امروز در کانادا، درباره این اعتصاب مصاحبه‌ای با وی داشت که بخشهایی از آنرا خواهید خواند. در نشریه شماره قبل نیز از جمله درباره این اعتصاب با دبیر اتحادیه سراسری کارگران پست کانادا گفتگویی درج شده بود.

کارگر امروز: مبارزه کنونی اتحادیه کارگران پست حول چه خواسته هایی است؟

قظهای دیگر صنعتی تضعیف می کنند. از نظر اقتصادی آمریکا ظرفیت و موقعیت استفاده از بازارهای شوروی تجزیه شده را در مقایسه با اروپا و ژاپن ندارد. تجزیه سیاسی شوروی جغرافیای سیاسی اروپا را وسعت می دهد. طیف وسیعتری از کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی، آنها در اندازه های مثل روسیه و اوکراین، حول طرح اروپای متحد آلمان و فرانسه حلقه می زنند. اروپا بعنوان یک بلوک قویت می شود. طرح آتش یس جامعه اروپا برای مجادلات درونی یوگوسلاوی و ایده اعزام یک نیروی اروپایی برای حفظ صلح خود حتی بر وجود زمینه های مادی برای تفکیک نظامی اروپا و آمریکا دلالت می کند. تصور می کنم وجود یک ابرقدرت تضعیف شده دوم که غلبه عمومی آمریکا بر صحنه سیاسی در جهان را برسمیت می شناخت، برای ایفاء هژمونی آمریکا در مقیاس جهانی مفید تر بود. تجزیه شوروی امکان پیدایش قدرتهای عظیم تر اقتصادی و سیاسی و نظامی را به شکل اتحادها و ائتلافهایی در چهارچوب اروپا افزایش داده است.

ک.ا: در اعلامیه پایانی اجلاس اخیر سران کشورهای موسوم به "هفت کشور بزرگ صنعتی جهان"، ضمن تجلیل از نقش سازمان ملل در جنگ خلیج فارس از جمله آمده است که "در صورت اقتضا از دست زدن به عملیات مشابهی در آینده دریخ نوزد". در این اجلاس همچنین این فکر قوت گرفته است که سازمان ملل باید در هر کجا که به تشخیص شورای امنیت وضعی پیش آید، از جمله بعثت نقض حقوق بشر، که صلح جهانی را به خطر می اندازد باید دست به مداخله نظامی بزند. حتی صحبت از تغییراتی در منشور سازمان ملل بنگع این ایده است. بنظر شما اینها چه اهدافی را دنبال می کنند. آیا این بمعنای قصد آنها در هجوم به هر انقلاب کارگر در جهان نیست؟

م.ح: تصور نمی کنم در محاسبات اینها انقلابات کارگری لااقل در آینده قابل پیش بینی فاکتور اصلی بوده است. کل این دخالتگری متوجه هرنوع خارج زدن از طرحهای توافق شده قدرتها در مورد آرایش سیاسی و اقتصادی دنیا است و در این میان با حرکتهای رادیکال اجتماعی و بویژه حرکتهای کارگری به شدیدترین وجهه مقابله می کنند. اما واقعیت اینست که با حذف دو قطبی غرب و شرق که خواه ناخواه در مناطق خاصی در جهان نوعی فرجه برای ابزار وجود جنبشهای سوسیالیست فراهم می کرد از یکسو و از سوی دیگر با پیشروی ای که اینها تا همینجا علیه کمونیسم و مارکسیسم کرده اند، انقلابات کارگری را فعلا مغایر اصلی نمی دانند. تصور می کنم مسائل مهم تری که این دخالتگری آشکار قرار است به آنها پاسخ بدهد به خط کردن بخشهای مختلف بورژوازی در سطح جهانی و ادب کردن دولتهای متوق بورژوائی در جهان سوم، تعیین تکلیف چند جای باقیمانده مانند کوبا و کره شمالی، دخالت در کشمکشهای ملی بدنبال تجزیه بلوک شرق و نظایر اینهاست. با این وجود از نقطه نظر کمونیست و

کارگر امروزی معنی عملی این روند جهانی است که می گویند. انقلاب کارگری در هر جا که باشد فوراً با خطر دخالت مستقیم و تمام قوای نظامی بورژوازی جهانی روبرو خواهد شد. اما نباید در توانایی اینها در سرکوب عملی جنبشهای رادیکال و کارگری و یا حتی در برقراری نظم میان دولتهای بورژوائی اغراق بشود. مورد عراق اتفاقاً محدودیتهای اینها را نیز عیان کرد. کافی بود بجای یک کانون، یعنی خلیج، سه جای دنیا همزمان در همین مقیاس شلوغ می شد، یا تفاق بیشتری در بین متولفین پیدا می شد، تا محدودیتهای ماشین سرکوب اینها آشکار شود.

ک.ا: با توجه به این مسئله استراتژی انقلاب کارگری چه می شود؟ م.ح: بنظر من این وضعیت اولاً تاکیدی است بر استراتژی انقلاب کارگری در بنش کلاسیک کمونیستی. انترناسیونالیسم باید از اظهار عواطف قلبی فراتر برود و به یک صنفی مادی سیاسی و مبارزاتی در مقیاس جهانی تبدیل بشود. بنظر من در صورت وجود یک بلوک کارگری قوی و بی ابهام در آمریکا و فرانسه و انگلستان علیه حضور نظامی آمریکا در خلیج، جلوگیری از این قدرتمندی ممکن بود. چنین انترناسیونالیسمی را بر مبنای اندیشههای تریدینونی و سوسیال دموکراتیک نمی شود ایجاد کرد چرا که هویت ملی دیگر جزء لاینجزایی این گرایش است و در مطالبات و همینطور سیاستهای دولتی آنها کاملاً برجسته است. ایجاد این صنف انترناسیونالیستی کار کمونیست است. اما، علاوه بر این، واقعیات سال گذشته نقش محوری کارگر اروپایی و آمریکایی را در استراتژی عمومی انقلاب کارگری تاکید می کند. بنظر من این تئمه پوپولیسم و جهان سومی گری کمونیستهای شوروی عقب افتاده را هم عملاً نقد می کند. دوره مبارزه کمونیستی خودکفا و سر در لاک خود در محدوده "کشور خویش" اگر اصلاً هرگز موضوعیت داشته امروز دیگر به عهده سپری شده است. قدرت بسیج نیروهایی مثل ما در یک کشور معین و حتی قابلیت کسب قدرت کارگری در این یا آن کشور تنها وقتی از نظر تاریخی کارساز و موثر است که واقعا و عملاً قدرت یک گردان از یک صف بین المللی را، که کانون اصلی آن کشورهای پیشرفته صنعتی است، به نمایش بگذارد. بعنوان کمونیست ما موظفیم در حیات سوسیالیسم کارگری در این کشورها دخالت مستقیم بکنیم. قدرت عمل بیشتر ما در مقیاس یک کشور معین باید در عین حال ابزار این دخالت مستقیم هم باشد. نمی شود کارگر فرانسوی زیر دست احزاب پارلمانی راست و چپ بورژوازی افتاده باشد، سیاهی لشکر در رژه "دمکراسی" باشد، و کسی در ایران و مالزی و پرو کمونیسم را رستگار کند. در یک کلمه، فکر می کنم استراتژی انقلاب کارگری اساساً باید در متنی جهانی نگریسته بشود و وظایف شوروی کمونیستها در پرتو آن استنتاج شود.

راهی به پیش نمی برد. ک.ا: بنظر می آید تابستان امسال دوره سختی باشد. اینطور نیست؟ ک.ا: اتحادیه ما چاره‌ای جز اعمال حق خود برای کسب حق اعتصاب ندارد. به احتمال خیلی قوی اتحادیه "ائتلاف بخش دولتی کانادا" که مانند ما زیر حمله دولت است، نیز برای حق اعتصاب به میدان خواهد آمد. دولت محافظه کار از هم اکنون اعلام کرده است که با تصویب یک لایحه، کارگران را بر سر کار برمی گرداند. در حقیقت دولت از الان می کوشد که از شروع اعتصاب جلوگیری بعمل آورد و آثار غیر قانونی اعلام کند.

پیرامون

جنبش کارگری در فنلاند

سپو آلتونن از فعالین با سابقه جنبش کارگری فنلاند و عضو حزب کمونیست کارگران فنلاند که از "حزب کمونیست فنلاند" منشعب شده است، می باشد. همکاران کارگر امروز در فنلاند پیرامون مسائل جنبش کارگری فنلاند با وی گفتگویی ترتیب داده اند که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: وضعیت عمومی جنبش کارگری فنلاند چگونه است؟

سپو آلتونن: قانون کار در فنلاند در مقایسه با استانداردهای کشورهای اروپایی در سطح پائینی قرار دارد. هر چند بدلیل وجود اتحادیههای کارگری قدرتمند قانون کار بخوبی تنظیم شده و مسائلی نظیر بیمه و مسائل بهداشتی در آن بخوبی رعایت شده است ولی در عمل بطور دائم زیر پا گذاشته می شود و کنترل بر رعایت قانون کار در مشاغل کارگری خیلی ضعیف است. برای نمونه دستمزد زنان که کاری برابر با مردان انجام می دهند ۷۵ درصد حقوق مردان کارگر است.

ک.ا: چرا کارگران فنلاندی در سنین بالای ۶۰ و ۶۵ سالی بازنشسته می شوند؟

س.ا: سن بازنشستگی در فنلاند ۶۵ سال است، ولی در بعضی مشاغل با توجه به سختی کار این سن ۶۰ و یا ۵۵ سال در نظر گرفته شده است. مساله دیگر سن بیماری زودرس است که بمعنای از دست رفتن توانایی کارگر نیست اما این دسته از کارگران می توانند زودتر از سن قانونی بازنشسته شوند. این اواخر سن بازنشستگی این کارگران را بالا بردند. در درون حکومت تازه حتی بحث روی بالا بردن سن بازنشستگی تا ۷۰ سال است. حزب ما خواهان سن قانونی بازنشستگی ۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان و یا بازنشستگی بعد از ۳۵ سال کار است.

ک.ا: مهمترین خواستهای کارگران در حال حاضر چیست؟

س.ا: مساله عمومی افزایش دستمزد و برابری پرداخت دستمزد در قبال کار برابر است. برای نمونه دستمزد کارگران زن در رشته های نساجی و دباغی خیلی از حد قانونی آن کمتر است. خواستهای دیگری مثل بهبود وضع ایمنی محیط کار و جلوگیری از آلوده شدن آن نیز وجود دارد.

ک.ا: مساله بیکاری معضل روز کارگران فنلاند است و به صف بیکاران هر روز افزوده می شود. در بعضی از کشورهای اروپایی جنبش کارگری خواست ۳۵ کار را بدست گرفته است، آیا چنین خواستی در میان کارگران فنلاند مطرح است؟

س.ا: اتحادیههای کارگری روی این مساله زیاد بحث کرده اند و خواست ۳۵ ساعت کار در هفته بدون کسر دستمزد و همچنین بازنشسته

سراسری اتحادیهها ("ساک") و بقیه اتحادیهها در این جریان چه بود،

س.ا: نقش رهبران "ساک" عملاً درهم شکستن این اعتصاب بود و همکاری زیادی با کارفرمایان هتل و رستورانها داشتند. فقط اتحادیه حمل و نقل حامی این اعتصاب بود و از حمل مواد غذایی به هتلها و رستورانها جلوگیری کرد.

ک.ا: حکومت تازه حمله به سطح معیشت کارگران را مطرح کرده است، نظیر کاهش خدمات بیمههای اجتماعی و بیمه بیکاری، بالا بردن درصد مالیات. بنظر شما طبقه کارگر چه واکنشی نشان خواهد داد؟

شدن هر کارگری بعد از ۳۵ سال کار در کارخانه و مشاغل به بحث روز تبدیل شده است.

ک.ا: ارزیابی شما از نقاط قوت و ضعف جنبش اتحادیهای در فنلاند چیست؟

س.ا: نقطه ضعف جنبش کارگری فنلاند وجود اتحادیههای رفرمیست و رویزیونیست وابسته به سوسیال دموکراتها است که "ساک" (اس.آ.ک) نام دارد و دارای ۲ میلیون عضو است. ۴ سال قبل حزب سوسیال دموکرات با احزاب بورژوایی حکومت مشترک تشکیل دادند که با کارفرمایان قریب و نزدیکی داشت و سیاست اتحادیهها با سیاست دولت فاصله ای نداشت و کمونیستها هم رویزیونیست اند. اتحادیه های دیگر نیز نظیر اتحادیه پرستاران، معلمها توسط نیروهای بورژوایی رهبری رهبری می شوند.

نقطه قوت جنبش کارگری فنلاند درصد بالای تشکلی کارگران است که در بعضی رشته ها به ۱۰۰ درصد می رسد که اگر به سیاست درستی دست یابد دارای پتانسیل و نیروی عظیمی است.

ک.ا: به نظر شما علت افت نیروی اتحادیهها در فنلاند و بقیه کشورهای اروپایی در حال حاضر چیست؟

س.ا: علت آن افت سیاسی جنبش طبقه کارگر در کشورهای اروپایی، منجمد فنلاند، وضعیت سیاسی حاکم بر اتحادیهها است که همسویی بیشتری با کاپیتالیسم دارند تا با منافع طبقه کارگر. اما در آینده نزدیک توده اعضا قدرت را در اتحادیهها بدست می گیرند و اوضاع عوض خواهد شد.

ک.ا: آیا برای طبقه کارگر فنلاند هیچ پیش بینی شکل گیری جریان تازه در میان طبقه کارگر دارید؟ بعنوان نمونه در سوئد لیست کارگری و در آمریکا "نیو دایرکشن" (آپوزیسیون رسمی درون اتحادیه کارگران اتومبیل ساز که برای رفوم و دمکراسی در این اتحادیه فعالیت می کند) بوجود آمده است.

س.ا: خیلی محتمل است که آنچه در سوئد برای "ال.او" پیش آمد در فنلاند برای "ساک" بوجود آید. زیرا اعضای پائینی سوسیال دموکراتها در اتحادیه دوشادوش کمونیستها برای شرایط کار و دستمزد بهتر مبارزات موفقیت آمیزی پیش برده اند. این اواخر مواردی بود که کارگرانی در سطح یک کارخانه و یا فابریک به اعتصابات دست زدند که به فراخوان اتحادیه نبود. این گرایش روز بروز قوی تر و رادیکالتر می شود و فاصله رهبری اتحادیهها با پدنه مدام زیادتر می شود.

ک.ا: این اواخر اتحادیه کارگران هتل و رستورانها اعتصابی دست به اعتصاب زدند، نقش کنفدراسیون پرخوردار است را بدست نخواهیم آورد. زیرا اگر این لایحه اجرا شود آنوقت یک هیات ویژه به اعتصاب رسیدگی خواهد کرد که رئیس آنرا دولت انتخاب می کند. این از نقطه نظر اتحادیه ما قابل قبول نیست.

این یک روی سکه بود. روی دیگر آن همبستگی کارگران سایر صنایع، گروههای دیگر و مردم است. در تورتو هم اکنون یک کمیته پشتیبانی تشکیل شده است. وظیفه اصلی این کمیته جلب همبستگی سایر کارگران و عموم مردم از مبارزه کارگران اداره پست و اتحادیه "اتلاف بخشهای دولتی کانادا" است. همکاری این دو اتحادیه رضایت بخش است. وجود این حمایت و همبستگی که صرفاً از طرف اتحادیهها نیست و در سطح مردم عادی و گروههای مختلف شکل گرفته است واقعا تشویق کننده است.

سه گرایش وجود دارد. اول سوسیال دموکراتها که رفرمیست اند. دوم جناح بااصطلاح اتحاد چپ که قبلاً نماینده گرایش کمونیستی بود اما الان رفرمیست است و ایدئولوژی آنان به سوسیال دموکراتها نزدیک شده است، و سوم جنبش کمونیستی که از طرف ما رهبری می شود، البته نه همیشه.

گرایشات راست بورژوایی هم وجود دارند. بعنوان نمونه حزب "سنتر" (مرکز) است که در میان کارگران شمال ریشه دارد و مدام می کوشد در طبقه کارگر جایی برای خود باز کند. در انتخابات قبلی این حزب اکثریت آرا را بدست



سپو آلتونن

س.ا: کارگران عموماً علیه سیاست دولت تازه مقاومت می کنند. حتی رهبران "ساک" هم به سیاست دولت اعتراض دارند. ولی مساله اینست که خود سوسیال دموکراتها که قبلاً در حکومت بودند این وضعیت را بوجود آوردند و به این دلیل ریاکارند. اما جنبش کارگری و جنبش اتحادیههای علی العموم و قویا علیه سیاست دولت اند. کمونیستها طرحی برای ابراه انداختن یک کمین برای تغییر اوضاع سیاسی حاکم بر اتحادیهها در دست دارند. از آنجا که بخصوص سوسیال دموکراتها آپوزیسیون دولت هستند امیدواریم که این کمین رادیکالیزه کند و به تغییر رهبری "ساک" منجر شود.

ک.ا: راسیسم در اروپا و از جمله در فنلاند در حال رشد است.

س.ا: بله. راسیسم نتیجه رشد جناح راست و فضایی است که آنها برای راسیسم بوجود آورده اند و این مایه تأسف است. اما مساله ویژه در فنلاند، مردم این کشور تاکنون منزوی که با خارجی سر و کار نداشته اند هنگام روبرو شدن با کسانی که فنلاندی حرف نمی زنند دچار ترس و نگرانی می شوند. اینکه در فنلاند اهمیتی به تدریس زبانهای خارجی داده نشده است و بخصوص اینکه مردم متوسط العمر زبان خارجی بلد نیستند، زمینه را برای ترس و گاه کینه از خارجی فراهم می کند. یک علت ویژه دیگر برای رشد راسیسم در فنلاند وجود خارجیها را در ذهن مردم، بخصوص آتانی که از بی مسکنی رنج می برند و سطح آگاهی سیاسی شان پائین است عمده می کند.

ک.ا: بنظر شما ارگانهای سوسیالیستی و کارگران فنلاند باید چه کارهایی در رابطه با جنبش کارگری ایران انجام دهند؟

س.ا: در درجه اول خیلی مهم است که کارگران فنلاندی از وضعیت سیاسی و اقتصادی کارگران ایران مطلع شوند و بدانند طبقه کارگر ایران در چه شرایطی زندگی و مبارزه می کند. پشتیبانی از جنبش طبقه کارگر ایران خیلی مهم است. بعنوان نمونه اعتراض ما به اعدام و شکنجه کارگران و رهبران کارگری و فعالین آپوزیسیون در ایران و ارسال نامه اعتراضی به سفارت جمهوری اسلامی در هلند می تواند یکی از این نمونهها باشد.

ک.ا: اتحاد اروپا و بازار مشترک در سال ۱۹۹۲ حتماً تأثیرات بزرگی بر شرایط کار و زندگی طبقه کارگر اروپا دارد. بنظر شما تأثیرات آن بر طبقه کارگر فنلاند چیست؟

س.ا: بعنوان حزب کمونیست ما اکیدا و بشکل مطلق مخالف این بازار متحد سرمایه داری هستیم و یک کمین علیه آن براه انداخته ایم. زیرا در سطح وسیعی دستاوردهای طبقه کارگر را که برای کسب آن سالهای مدیدی مبارزه کرده است پس می گیرد. بعنوان نمونه بیمههای اجتماعی، حقوق بازنشستگی و بمعنی عامتر خدمات اجتماعی اساسی در خطر می افتند. حتی برای جنبش اتحادیهای هم خطر دارد و بیکاری وسیعتری برای کارگران صنعتی در فنلاند ببار می آورد. کارگران برای کار به سایر کشورهای اروپایی مهاجرت می کنند و کشور فنلاند به یک تولید کننده مواد اولیه برای این بازار تبدیل می شود.

ک.ا: نظر شما درباره تغییرات در شوری و اروپای شرقی و تأثیرات آن بر جنبش طبقه کارگر چیست؟

س.ا: تغییر و تحولاتی که در این کشورها رخ داده سختیهای بزرگی برای طبقه کارگر این دسته از کشورها بوجود آورد، سیستم خدمات اجتماعی را بهم زد و بیکاری وسیعی بدنبال داشت. همچنین فشار زیادی روی جنبش اتحادیههای و کمونیستی در کشورهای غربی و بویژه جنبشهای هوادار اردوگاه شوروی گذاشت. در نتیجه این تغییر و تحولات که تضعیف جنبش اتحادیههای علی العموم را نیز در بر داشت دستمزد کارگران مدام کاهش یافته است.

ک.ا: بعنوان آخرین سؤال، درباره اول ماه مه در فنلاند، دولت می کوشد آنرا تضعیف کند و یا سوسیال دموکراتها می خواهند سنت راهپیمایی در این روز را هم از یاد ببرند. آیا کارگران کمونیست برنامه ای برای زنده کردن این روز بعنوان روز مبارزه و همبستگی جهانی طبقه کارگر دارند؟

س.ا: سنت راهپیمایی در روز کارگر حتماً نمی تواند شکسته شود. بنظر من در آینده نزدیک حتی شعارها رادیکالتر و سیاسی تر می شود، حتی اگر شمار شرکت کنندگان در راهپیمایی کمتر شود. کمونیستها از سنت اول ماه مه را حفاظت می کنند. گرایش زنده کردن این روز حتی در میان توده کارگر روزبروز قویتر می شود و در راهپیمایی ها می توان آنرا بوضوح مشاهده کرد.

می دهند. در بسیاری از خانوادههای ساکن در ماکیلادورس هم زن و هم شوهر کار می کنند. "هاویر کاریلو" کارگر یک کارخانه میلسازی که به همراه همسرش "ریزا" در یک خانه حلیی در چیپالاینکو زندگی می کند می گوید: "زنم از من بیشتر پول در می آورد ولی ما خیلی بندرت گوشت می خوریم. قبل از اینکه اینجا بیایم شنیده بودم که در ماکیلادورس خیلی پول در می آید.

در چیپالاینکو همانند دیگر شهرهای منطقه ماکیلادورس کارگران از حلیها و چوبهای باقیمانده و دور ریخته شده برای ساختن خانه، پخت و پز و یا ذخیره آب استفاده می کنند. این در حالی است که بسیاری از این حلیها در اصل برای حمل و نقل مواد سمی شیمیایی استفاده می شده اند و روی بسیاری از آنها به انگلیسی نوشته شده است: "سم".

می داند حتی وارد دانشگاه شوم. ولی با شرایطی که ما داشتیم حتی خرچمان هم در نمی آمد. "ماریو بهمره" ۶ نفر دیگر در نزدیکی چشمه آلوده ای که در چیپالاینکو جریان دارد زندگی می کند. او در حالیکه در کنار آلودگیشان لم داده و سعی می کند موج مکسها را از خود دور کند اضافه می کند: "اینجا کار هست. ولی خوب زندگی اینجوری آسان نیست." زنان در مجموع ۶۰ درصد نیروی کار را در ماکیلادورس تشکیل می دهند. بسیاری علت حضور گسترده زنان در نیروی کار این منطقه را "رام بودن" زنان و قابلیت بیشتر آنان برای تحمل شرایط سخت می دانند. انریکو کارفاس در این مورد می گوید: "در مکزیکوستی تنها کاری که به زنها می دهند ظرفشویی، لباسشویی و یا حداکثر اتوکشی است. تازه برای این کارها پول خیلی کمی هم

بقیه از صفحه ۷

نجات آزادهای کارگر ارزان

دهها هزار کارگر از شهرک چیپالاینکو گرفته تا شهر "ماتامورس" در خلیج مکزیک در خانههای نیمه ویران و آلودگهای ساخته شده از حلیی درهم میلولند. تفاوت چشمگیر این ویرانهها با ساختمانهای عظیم کارخانجات که آخرین دستاوردهای صنعتی در ساختمان آنها بکار رفته انسان را بجا اختیار به حیرت وامی دارد. البته شرایطی که کارگران ماکیلادورس در آن زندگی می کنند در مقایسه با دیگر نقاط مکزیک به هیچ وجه غیرعادی بحساب نمی آید و بسیاری از کارگرانی که در این منطقه زندگی می کنند از اوضاع و احوالشان چندان هم ناراضی نیستند. "ماریو فیلیکزیک" یک جوان ۱۸ ساله در این مورد می گوید: "من می خواستم در خانه بمانم و درس بخوانم و کسی چه

پر خوردار است را بدست نخواهیم آورد. زیرا اگر این لایحه اجرا شود آنوقت یک هیات ویژه به اعتصاب رسیدگی خواهد کرد که رئیس آنرا دولت انتخاب می کند. این از نقطه نظر اتحادیه ما قابل قبول نیست.

این یک روی سکه بود. روی دیگر آن همبستگی کارگران سایر صنایع، گروههای دیگر و مردم است. در تورتو هم اکنون یک کمیته پشتیبانی تشکیل شده است. وظیفه اصلی این کمیته جلب همبستگی سایر کارگران و عموم مردم از مبارزه کارگران اداره پست و اتحادیه "اتلاف بخشهای دولتی کانادا" است. همکاری این دو اتحادیه رضایت بخش است. وجود این حمایت و همبستگی که صرفاً از طرف اتحادیهها نیست و در سطح مردم عادی و گروههای مختلف شکل گرفته است واقعا تشویق کننده است.

WORKER TODAY

On the labour movement in Iran

Interview with Reza Moqaddam

In the following we reprint the first part of an interview with Reza Moqaddam, editor of *Worker Today*, which appeared in the August 91 issue of *Labour Solidarity*, the publication of the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee in Canada. The second, and final, part will be published in our next issue.

Labour Solidarity: Could you tell us about the general situation of the Iranian labour movement. What are the Iranian workers' main demands?

Reza Moqaddam: The Iranian working class lives under one of the most dictatorial regimes in the world, and is denied the right to organise and strike. Strikes do not on the whole last more than a week or so, as they are organised secretly and also attacked by the regime's armed forces. They involve detention of militant workers and strike activists, who are identified for the authorities by the Islamic Councils. Iranian workers' main demands are: the right to organise and strike and wage rises.

L.S: What is the role of the Islamic Councils within the labour movement?

R.M: The Islamic Councils have been built for the workers by the government. Before each Islamic Council elections, a 'competence board' selects a number of people as candidate, and then by various means, including intimidation, pulls the workers to the polling

booths to choose from among the hand-picked candidates. Of course, in large industries, such as the oil industry, where workers have a rich record of struggle, the formation of even these Islamic Councils is banned.

Workers have put up much resistance against the Islamic Councils. The most common way of resistance is to vote blank, thus cancelling the elections. The Islamic Councils are usually set up after several re-runs - because of cancellations - even when the majority of workers have not taken part in the elections. It is not uncommon that for example in a plant with 3,000 workers, while more than half have voted blank, an Islamic Council has still been set up, even though its members only got around 400 of the votes.

Alongside the 'Worker House' and the Labour Ministry, the Islamic Councils are organs for the enforcement of the government's policies in the workplaces.

L.S: What sort of an organisation is Worker House, and what is its job?

R.M: Worker House is the name

of a building in Tehran which under the Shah's regime housed the offices of a number of trade unions. During the 1979 revolution, after dissolving these government unions, workers set up workers' councils which took control of many factories, as well as the Worker House building. There a number of labour organisations also established their offices.

This building soon turned into a gathering place for unemployed workers and their organisations. It is situated a few hundred metres from Tehran University which then was the main centre for gatherings and rallies of forces opposed to the Shah's regime, in particular the left forces. Since the universities were the main centre of influence of the left, this building soon became a meeting place for students and workers. The left students would of course also go to factories in support of workers. All these made Worker House a symbol of power of the left. Thus, in less than two years, it changed hands between workers and government forces several times.

The last time the building fell into government hands, it was passed over to Islamic students, who like the left students, had formed contacts with workers, and whose aim was to fight the left in the labour movement. They made their propaganda essentially by claiming that Islam is in favour of workers' councils, that more than communism, Islam is in the interest of workers, and that Khomeini is more revolutionary than Lenin. In the factories these [Islamic students] set up Islamic Societies in order to combat strikes, spy on labour activists and report them to the authorities. This building soon

turned into a communication centre for the Islamic Societies in their fight against communists in the workplaces, and became affiliated to the Islamic Republican Party (the then ruling party which dissolved later). After some time the forces active inside the Islamic Societies and Worker House became consolidated, eventually assuming their present form.

Nowadays there is a Worker House building in all the Iranian cities which have industries and worker communities. They control and lead the Islamic Councils in each city, and themselves are led by the central Worker House based in Tehran, whose general secretary is Alireza Mahjoob, and one of whose chief directors is Kamali, the Labour Minister. Worker House is an important tool of the Islamic Republic for enforcing its policies among workers.

L.S: Recently, having tried four different labour law drafts, the government finally succeeded in passing through its new labour law. Could you tell us about the reasons for the changes, and also about the labour law itself.

R.M: The government was forced to withdraw several versions of the labour law as a result of mass protests by workers. For instance, the first draft had not mentioned even the maximum hours of daily work, and no organ, even of a totally government-employer type, had been envisaged to determine the minimum wage. So the employers had a free hand to make workers work as many hours as they wished and at whatever wages they wished. There was no mention of weekend breaks, annual

holidays or other workers' leave. The employers could force workers to work seven days a week, 12 months a year. The saying at the time that 'if this draft had been published at the time of Spartacus it would have hastened the slaves' rebellion by some years', though exaggerated, contained a great deal of truth.

The Islamic Republic labour law is intensely anti-working class. It breaches a great many of workers' basic rights which are recognised around the world. It does not, for example, recognise organisation right; only government-controlled organisations may operate. It does not recognise the right to strike. Strange as it may seem, this labour law has been written in such a way as you won't find the word "strike" mentioned anywhere in it. Workers do not have the right to collective bargaining with the employers to determine wages and conclude agreements. There is basically no such thing in Iran as labour organisations negotiating and concluding agreements with the employers over wages and working conditions. Every year the government, behind locked doors and through an organ called the Supreme Council of Labour, fixes the official minimum daily wage in accordance with its economic policies. Workers get to know about it later, through media reports.

Workers have in various ways declared that they do not recognise this law, but the problem is that they lack such means as organisation and strike right with which to put pressure on the government and employers to implement even this labour law.

(To be continued)

Our fight is about job security

Interview with André Kolompar about the Canadian postal workers' struggle

André Kolompar is the President of Toronto Local of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW) whose members are currently on a national strike. Fateh Bahrami, *Worker Today* co-worker in Canada, talked to André Kolompar before the start of the strike. Here we publish excerpts of this interview. In the August issue of *WT* we published an interview with the postal union's national president, Jean Claude Parrot.

Worker Today: Could you tell us about the demands of the current struggle of the postal workers.

André Kolompar: Our struggle is mainly geared around the primary issue of job security of our members, in particular in relation to the contracting out and privatisation plans of the corporations and the federal government.

In regards to job security, our union is striving first to ensure that we maintain our no lay-off clause. Second, the membership definitely needs, and has demanded, protection against Canada Post's elimination of full-time jobs, and turning full-time jobs into part-time jobs. We have had situations where 50% of full-time jobs in a specific category - the mail service couriers - have been reduced. In place of the jobs, the management offered early retirement and buy outs; they arbitrarily made people become letter carriers or work on the inside. At the same time, part-time positions have been

increased by 100% in the mail service courier category.

Over the past six years - particularly because in 1987 our union was legislated back to work when we exercised our right to strike - we have fallen seriously behind in purchasing power. The cost of living has increased dramatically, while our wages have not increased at all. We have not had a wage increase since 1988. The contract expired in June 1989, and the government has forced us to negotiate for 28 months.

WT: How should the deregulation and privatisation campaign be resisted?

A.K: They have been energetically pushing deregulation and privatisation all across the country - not only in the Post office, but in all kinds of industries. I personally believe that the only way the Tory agenda can be stopped is not a fight of one union, but the fight of all unions. The best solution would obviously be a general strike.

WT: It seems a tough fight lies ahead this summer ...

A.K: As it stands right now, it is very likely that our union will have no choice but to exercise its right to strike to achieve the demands of the membership. It looks almost certain that the Public Service Alliance of Canada, which is under the same type of attack, is also going to have to strike to achieve justice for its members. On the other hand, the Tory government is saying very clearly that they are going to use legislation. In the case of the Public Service Alliance, they have already stated that they have every intention of legislating the workers back to work if they exercise their right to strike. In fact right now the federal government is even considering introducing legislation that would prevent the members of the Public Service Alliance from going on strike, i.e. a pre-emptive action.

We had back-to-work legislation in 1978. That year our union defied it and the national president went to jail. All our offices were raided by the [security forces]. In 1987 we had back-to-work legislation again; at that time our union did not defy it. I believe that if this time around legislation is passed, it is more important than it was in 1978 for our union to defy that legislation, because if we don't defy it, we simply go back to work - under the orders of the government - to some form of binding arbitration. In that case we are virtually guaranteed to lose some of the rights that we have, and we are certainly guaranteed not to achieve the demands that are very important to our members now. Under binding arbitration, it

is the government who chooses the person that is appointed as an arbitrator to give the contract to the workers. That to us is totally unacceptable.

But we have also found an incredible level of support amongst other unions, community groups, and all kinds of organisations. Here in Toronto we have formed, with the assistance of all those groups and organisations, the Workers' Solidarity Coalition. The aim of the Coalition is to draw

support and increase the understanding amongst other workers, and the public in general, about the struggle of the postal workers and the Public Service Alliance of Canada. That coalition is working very well, and it is very encouraging to see that there is such a high level of support out there - not only amongst the labour movement, but also amongst community groups and other organisations that identify with the struggles of our two unions.

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue includes:

- Consequences of the Soviet Events - interview with Mansoor Hekmat
- Interview with Finnish labour activist Sepo Altunen
- Workplace reports from Iran: - Metal Industry workers talk about the low pay and the need for social welfare; - Workers of Tyre company voice their grievances and

their opposition to the new Islamic Republic labour law • The International Federation of Iranian Refugees Councils holds second annual congress - report • Discussions on the demand for 35-hour week - letters to the Editor • On the Unemployed Workers Rights Charter - article • Free Trade or Cheap Worker? - translation article.

News of workers' struggles around the world are published in more detail in the Persian section.

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
 WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
 WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates:

Europe:	Elsewhere:
1 Year SKr120	1 Year SKr180
6 Months SKr70	6 Months SKr100

• Institutions double the rates • All prices include p&p.

On the North American Free Trade Agreement

Interview with Joe Fahey, Teamsters Union Local President

Joe Fahey is the President of Teamsters Union, Local 12, in Watsonville, California. Ali Javadi, *Worker Today* co-worker in the US, talked to Joe Fahey about the US-Mexico-Canada free trade agreement, its consequences for the workers in North America, and about the Local's organising work. Excerpts:

Worker Today: Could you tell us about the demands of the workers and the specific issues you are organising around in Watsonville?

Joe Fahey: Probably the biggest thing we have problem with is health insurance. We have also been doing a lot of organising around the loss of work because of the increased agricultural production in Mexico. Companies have been running away to Mexico and others are starting up there. This kind of organising is more difficult because it is not just relationships between a few hundred workers and their single employer: now you are talking about the relationship of a few hundred workers to the way the world is working: high finance, governments, etc.

WT: One of the industries that has been hard hit is the food processing and fresh vegetables which have moved to the free trade zones. How has this affected the workers?

J.F.: We have seen a reduction of our membership of about 3,000 over the last ten years. The number of unionised frozen vegetable companies in California has gone down from 15 to 6 during the last ten years. At the same time in the last 5 years the number of frozen vegetable plants in Mexico has increased from 6 to about 30, and more are being constructed. So production is still happening, and the people who are doing it are

making less than 4 dollars a day instead of unionised wages in California ...

In the last few years Mexico has gone from being a self-sufficient country in the production of beans and corn, which are the main staples of the Mexican diet, to having to import these foods from the US and other countries. The reason is to be able to put more of their acreage of cash-crop exports to the US - like Broccoli, Cauliflower and Strawberries.

The Mexican workers are paying the highest price for these industries who are running away.

WT: What is your strategy to fight this situation? How are you trying to save the jobs that are being lost?

J.F.: One of the problems we see is that free trade with Mexico is basically discussed in codes in the business pages of papers. The business people may understand it, but a lot of people in the US, and for that matter, in Mexico do not. So we are trying to tell the story well.

For instance, we have helped to get a video produced and distributed widely called Dirty Business which shows what it is like on individual workers and families. It has been shown on 17 public broadcasting stations all across the country, in several congressional committees, and by environmental and worker groups.

We are trying to demystify free trade, because when people hear 'free trade', they say 'free', well that must be good. We are in

effect getting the people to question the whole idea of free trade; the idea that the government and George Bush wouldn't do anything to hurt you.

WT: The advocates of free trade argue that free trade will lower consumer prices. Is that so?

J.F.: Since 1986 there has been a big boom in plants, but we haven't seen any lowering of the prices to the consumers. Some of the intermediaries have been able to take advantage of the lower prices, but the lower prices have not been passed on to the consumers.



WT: They also argue that free trade will raise the standard of living of the Mexican workers. How do you see this question?

J.F.: All I can say is, since 1982, since Mexico, due to pressure from the banks and because of the Mexican debt, voluntarily agreed to reduce some of its tariffs, etc, and you really saw a boom in the *maquiladora* industries in Mexico,

we have seen a consistent lowering of the standard of living in Mexico.

WT: That industries will move towards the Southern part of the US, where labour is less organised and cheaper, and to the free trade zones in the *maquiladora* plants, seems imminent, and inevitable. Should the strategy of fighting it be concentrated on the legislative aspects of free trade, or on raising the standard of living of the Mexican workers and equalising the living conditions so that capital would not be able to take advantages of this inequality?

J.F.: The way I look at it, the ideal situation would be to get workers in different countries working together on common projects. We should develop an understanding of what free trade is; that free trade is about corporations being

from Mexico.

What this whole free trade in global capitalism means is that we are going to have to organise like the corporations do. It is going to be a broader meaning of an 'injury to one is an injury to all', and that's the kind of fight that our Local is going to work on. We have an excellent opportunity, because most of our members are from Mexico and they know what it is like in Mexico. And that's part of the reason they came here. They realise that what happens in Mexico, very much affects what happens here, and vice versa.

WT: It seems that this free trade is a context which will once again really stress the need and urgency for workers' international solidarity. How do you feel about that?

J.F.: Our union is called the International Brotherhood of Teamsters, and I hope that name would be even more appropriate in the coming years than it is now. What it means now is United States and Canada and a little bit of Puerto Rico. But if we are really going to be an international brotherhood of teamsters, we are going to have to do a lot better. The world is a lot bigger than the US, Canada and Puerto Rico. We are going to have to figure out ways to ally with different workers.

It looks like there is a growing awareness in many places that as long as we are isolated by national boundaries and national definitions, we are going to be defeated in our struggles. So we are going to have to learn how to support each other's national fights; and also to have to figure out ways how to co-operate internationally.

It's becoming more and more clear that no body is going to win justice until everyone wins justice, because every time we have a victory, without dealing with these international issues and the rights of capital to run away to where the conditions are worse, then any fight over improving conditions is a temporary victory. On the one hand you are winning better conditions for your own workers, which is what labour has traditionally fought for, but at the same time it may be an invitation for them to just run away to somewhere else. That's where they have got us and that's the terrain on which we are battling. ■

Head of Iran's labour ministry's Worker & Employer Organisations:

Islamic Councils will be set up regardless of workers' wishes

WT News Service:

At a recent press interview, a top official of the Labour Ministry, said that the formation of Islamic Councils of Labour - the state-made organisations which the government has been trying to set up in the workplaces - was compulsory.

Ahmad Moshirian, who is the general secretary of Labour Ministry's 'Worker & Employer Organisations', said that in 1987 the Supreme Council of Labour had decided to set up Islamic Councils in all the workplaces. But in July this year he himself once again admitted that these organisations had been formed in only a quarter

of the workplaces covered by the new Labour Law.

In the same interview, to allay the fears of the employers that the Islamic Councils may 'unduly interfere' in their business, Moshirian gave assurances that the Islamic Councils by law had only specific jobs, and that various authorities, including the board stipulated in Article 22 of the labour law, were watching any possible 'deviations' of the Islamic Council. He went on: "In the case of expulsions, for example, it is not as if the Islamic Council could put the dismissed worker back on his job. If the Islamic Council

disagrees with the manager's decision, the courts will give the final ruling."

As to why the government has failed to form Islamic councils in most of the workplaces, Moshirian blamed it on "shortage of manpower", meaning shortage of even the few people needed to form these organisations. But he was explicit to spell out that Islamic Councils will be set up despite workers' wishes: "Workplaces where the workers want an Islamic Council to be set up will have priority, but workers' not wanting them does not mean that they would not be formed." ■

Iran: Workplace hazards claim more lives

WT News Service:

11 workers died and two were seriously injured in a massive explosion in July in a textile factory in Tehran. The cause of the explosion was the inflammable fumes present in the workplace.

In another factory in the town of Garmsar, a large number of workers were killed in an accident which the official press described as an "accidental event". The extent of the disaster was such that the factory was shut down for some time. It was reopened in a special ceremony - officially described as a gesture of "empathy"

with the workforce and the relatives of the deceased - with the presence of Mahjoob (head of the government's Worker House organisation) who recounted "the prophet's sayings about the role and value of workers".

Iran has undoubtedly one of the highest workplace injury and fatality rates. An industrial safety specialist said in a recent article in the official weekly *Kar-o-Kargar* (15 July 91) that while, for example, "two workers lose their lives in British mines for every tonne of coal produced, in Iran the comparable figure is 100 workers." ■

IN BRIEF

Peru

Bodies of 500 children working as slaves were found in a mass grave in Peru's goldmines. The children, sold in auctions, are said to have perished mainly due to a contagious disease, but also from overwork and while trying to escape from the slave camps.

Turkey

Following the recent mass strikes, the government finally agreed to negotiate and gave in to most of the workers' demands. According to the new agreement, there will be a 135% pay rise, phased over a period of two years. Workers of a number of sectors are still on strike, calling for the granting of all the demands, including benefits.

Britain

Miners' leaders in over one third of Yorkshire coal mines said they would go on strike in protest against the sacking of a mineworker. 24 pits are set to vote on the proposed strike action. 800 workers at the Frickly mine, where a miner was sacked for having fallen asleep at work, are already on strike in support of their colleague. Miners' leaders expect a vote in support of strike.

■ Despite a court ruling, the Tillbery port authorities have still not reinstated 19 dock workers fired in 1989 for union activity. It took for the court 168 days to come up with a ruling, in the longest industrial court case in Britain's legal history.

Italy

Talks among Italy's government, trade unions and employers on public sector pay and "output costs" have reached a deadlock. The talks are part of an effort by the government and employers to reduce labour costs and combat inflation. The employers have stressed the need to tackle "high labour costs and social security contributions".

San Francisco Labor Council in solidarity with Iranian workers

WT News Service:

In a resolution on 26 August, the San Francisco Labor Council, an organisation which joins together the representatives of over 200 unions in the city, expressed its

support for the Iranian workers.

The resolution, submitted by Local 790 of the United Public Employees, while strongly denouncing the anti-worker policies of the Iranian government and the

execution of labour activist Jamal Cheragh-Vaissy, demanded the release of all jailed labour activists and the right to strike and form independent labour organisations for the Iranian workers. ■

100,000s of workers march in Solidarity Day in Washington

WT News Service:

Hundreds of thousands of workers and union activists from across the USA converged in Washington on 31 August in a show of strength to highlight a number of workers' basic demands. The demonstration, called by the AFL-CIO,

commemorated the first Solidarity Day held in 1981 in which 400,000 workers protested against the policies of the Reagan Administration.

According to *Labor Notes*, published in the USA, one of the main goals of the rally was to give backing for legislation to

outlaw the permanent replacement of strikers. Also calls for made for reforms in the national health care, education and child care, as well as for "full freedom of association at home and abroad" - the latter referring to the numerous obstacles hindering unionisation at home and the

existence of anti-labour regimes abroad.

According to the Swedish daily *Dagens Nyheter*, a running theme in the speeches at the rally was that politicians should turn their attention from foreign policy to the deteriorating situation of workers at home. ■

Canada Postal strike begins

André Kolompar, president of union's Toronto local is fired

WT News Service:

More than two years after the expiry of their last contract, and having been engaged during this time in long drawn-out negotiations with the government, Canada's postal workers finally began a national strike on 24 August on a rotating basis. The aim of the union by a rotating strike is to ensure that pensioners and other low-waged continue to receive their checks in the duration of the strike. However, the employers have refused to allow the distribution, hoping to arouse public sentiments against the strikers.

WT correspondent Hamid Mortazavi reports from Canada that most union locals are opposed to the idea of a rotating strike. In Toronto and Montreal, for example, workers voted to ignore union's calls and began a full stoppage. Meanwhile, Jean Claude Parrot, National President of the Canadian Union of Postal Workers (CUPW), said in a TV interview that they might at any moment enter an all-out action.

One of the first steps of the employers, just after the start of the strike, was to fire André Kolompar, the militant union leader of CUPW's Toronto Local. Also a court order was issued to ban him from approaching the picket lines or speaking to the strikers. (See inside pages for an interview with André Kolompar before the start of the strike).



Canadian postal workers march through the streets of Toronto

The government and the employers have taken wide-spread measures in order to try and break the strike: in Toronto the county court ruled to limit the number of pickets to four; the strike-breakers are led in under police protection through the picket lines; and Helicopters are being used by the employers to take the strike-breakers to work.

Meanwhile, talks are still in

progress between the union and employers, and the Canadian labour minister has said that so long as the negotiations have not totally collapsed, the government cannot use back-to-work legislation.

In a massive linking of forces, the powerful Public Service Alliance of Canada, with 165,000 members, announced on 29 August that it was joining the 45,000 striking postal workers. The

union's leader said in a press interview that while they were not for going on strike, the government, by refusing to acknowledge the workers' demands, had left them no option.

The Canadian President has said that the government would intervene to end the strike. The threat was followed by imposing a ban on picketing in Montreal and Toronto. ■

• Our fight is about job security

André Kolompar, Toronto postal union leader, talks to *Worker Today* p.10

• On the labour movement in Iran

Interview with Reza Moqaddam, *Worker Today* editor p.10

• On the North American free trade agreement

Joe Fahey, of the Teamsters union in the US, talks to *Worker Today* p.11